

بررسی گزارش مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی درباره ایران
با عنوان:
«ایران: فرصت یک تریلیون دلاری رشد»

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصاد بخش عمومی

کد موضوعی: ۲۳۰
شماره مسلسل: ۱۵۱۶۹
آذرماه ۱۳۹۵

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار.....
۳.....	تحلیل گزارش مک کینزی.....
۳.....	بررسی مفروضات گزارش مک کینزی.....
۸.....	بررسی آمار و اطلاعات استفاده شده در گزارش مک کینزی.....
۲۰.....	بررسی روش تحلیل در گزارش مک کینزی.....
۲۷.....	بررسی روش استنتاج در گزارش مک کینزی.....
۲۹.....	کلام نهایی.....



بررسی گزارش مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی درباره ایران
با عنوان:
«ایران: فرصت یک تریلیون دلاری رشد»

پیشگفتار

مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی یکی از مؤسسه‌های شناخته شده در سطح جهان است که بجز انتشارات در مورد تحولات مختلف جهان، در سطح تجاری گزارش‌هایی برای کشورهای مختلف جهان مدون می‌کند و این گزارش‌ها برای مدتی در دسترس عموم قرار ندارد، ولی به تدریج در تارنمای مؤسسه انتشار داده می‌شود. در هر صورت با شهرتی که این مؤسسه در سطح جهان دارد، در نگاه نخست عنوان بسیار جذاب گزارش، این توهم را ایجاد می‌کند که چه فرصت‌هایی در حال از دست رفتن است و ما ایرانیان به آنها توجه نداریم.

به‌طور خلاصه، آنچه در گزارش مک‌کینزی آمده این است که اگر ایران بهره‌وری کار، سرمایه و عوامل تولید خود را به‌شدت افزایش بدهد، اگر محیط کسب‌وکار خود را به مرزهای رقابتی جهان برساند، اگر ایرانیان توانمند همچنان به هزینه کردن ادامه دهند، اگر بانک‌های کشور سرمایه خود را افزایش بدهند و بانک‌های خارجی را شریک خود داشته باشند و اگر سرمایه‌گذاری خارجی در کشور در حد نیاز انجام شود، با تکیه بر چهار موتور حرکت:

۱. بهینه کردن بازده منابع طبیعی ایران و به‌ویژه نفت و گاز،

۲. تبدیل بنگاه‌های ایرانی فعال در داخل کشور که به‌طور عمده صنایع کارخانه‌ای‌اند، به بنگاه‌های

بین‌المللی،

۳. شدت بخشیدن به جریان تبدیل ایران به یک کشور دانش‌بنیان،

۴. نوسازی زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال کشور.

با فرض آن که روندهای جهانی همچنان برقرار باقی بماند و موضوع ثبات و عوامل سیاسی مدنظر نباشد، ایران فرصت خواهد داشت تا سال ۲۰۳۵ میلادی با رشد متوسط ۶ درصد در سال، یک تریلیون دلار با فرض روند نرخ ارز مفروض در گزارش مک‌کینزی، به‌دست آورد و در این جریان ۹ میلیون شغل ایجاد کند.

تردید نیست که اگر در اقتصاد ایران همت بلند شود، وضعیت کشور به‌مراتب بهتر از بسیاری از کشورهای جهان خواهد شد و اهمیت موضوع به قدری است که باید با دقت به آن پرداخته شود و اولویت ویژه‌ای در نگاه مسئولان اجرایی کشور بیابد. با اعلام این توانمندی بالقوه در کشور، در ارزیابی

گزارش مربوط به ایران تلاش شده است تا رویکرد بی‌طرفانه‌ای نسبت به متن نگارش شده مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی، بنگرد. این تلاش با هدف گزینش نکات مثبت و منظور کردن واقع‌نگری همراه با اصلاح اطلاعات، انجام شده است.

در گزارش مک‌کینزی آورده شده است که ایران فرصت دارد تا سال ۲۰۳۵ میلادی، محصول ناخالص داخلی خود را با متوسط رشد سالیانه ۶ درصد، یک تریلیون دلار افزایش بدهد و ۹ میلیون نفر شغل ایجاد کند. این مطلب که به‌نوعی در عنوان گزارش هم ذکر شده است، به‌روشنی نشان می‌دهد که حتی اگر ابهام در مورد ارقام و اعداد و مفروضات، مطرح نشود، موضوع فقط بحث فرصت‌هاست و روندهای قطعی و متکی به رفتارهای اقتصادی کشور نیست. بنابراین خواننده باید به این نکته وقوف داشته باشد که گزارش فقط می‌تواند یک گزارش فرصت‌شناسی تلقی شود.

بدیهی است که گزارش فرصت‌شناسی زمانی می‌تواند دستاوردهای مثبت داشته باشد که **چالش‌ها** و وضعیت به‌درستی و با دقت ترسیم شده باشد. یک نقطه قوت چنین گزارشی آن است که **چالش‌ها و راه‌های تبدیل آنها به فرصت‌ها** با شفافیت بیان شده باشد. با این نگرش، باید گفت که جای تأسف دارد که گزارشی در این ابعاد نوشته شود و متقاضیان آن هرگز از نگارندگان نخواهند که به چالش‌ها، فرض‌ها، اطلاعات و اعداد و ارقام با دقت بیشتر نگاه کنند تا تصویری کاربردی از چگونگی تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها به‌دست آید که در مقابل منابع مصرف‌شده بابت تدوین گزارش، ارزنده باشد و حاصل آن به‌کار اقتصاد کشور هم بیاید.

در بررسی گزارش مک‌کینزی تلاش شده است که در حد امکان از نمودارها و جداولی استفاده شود که به‌طور مستقیم از سایت مرجع برداشته شده است. هدف از این کار نمایش این نکته بوده است که هیچ نوع دخل و تصرفی در اطلاعات مرجع اطلاعات صورت نگرفته است و عین مطلب بدون محاسبات اضافی آورده شده است. مرجع اطلاعات در تمام موارد ذکر شده است. بررسی گزارش مک‌کینزی فقط با ذکر نمونه‌ها صورت گرفته است زیرا اگر تمام موارد قابل بحث ذکر شود، بررسی این گزارش دستکم سه برابر گزارش حاضر خواهد بود که دستکم در فرصت زمانی مطرح شده، قابل ارائه نمی‌بود زیرا برای تمام موارد باید اطلاعات موجود ارائه شود تا نشان داده شود که نقطه اختلاف با گزارش مک‌کینزی چیست.

با این نگرش، گزارش مک‌کینزی فقط موارد کلیدی را بحث کرده است و در نتیجه‌گیری هم با عنایت به تعدد موارد مشابه، نظری کلی در مورد گزارش ارائه شده است.



تحلیل گزارش مک‌کینزی

گزارش مک‌کینزی را می‌توان از ابعاد مختلف بررسی کرد. در این نوشته، گزارش از ابعاد زیر بررسی شده است:

- اطلاعات پایه‌ای گزارش شامل:

- مفروضات،

- آمار و اطلاعات

- روش تحلیل و استنتاج نتایج شامل

- روش تحلیل

- رویکرد استنتاج

- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در هر مورد تلاش شده است که ضمن ارزیابی نکات مربوط، نشان داده شود که اگر آن نکات مدنظر قرار نمی‌گرفت یا شکل دیگری به‌خود می‌گرفت، تصویری که در گزارش حاصل می‌شد، چگونه می‌بود. این بدان معناست که هدف بررسی تک‌تک موارد ذکر شده در گزارش مک‌کینزی نیست و فقط چندین نمونه مشخص و کلیدی بیان شده است تا نشان داده شود که عمق تحلیل ارائه شده در گزارش مک‌کینزی در حدی نیست که بتوان آن را چیزی ورای یک گزارش تشویق‌کننده محسوب کرد.

بررسی مفروضات گزارش مک‌کینزی

در گزارش چندین فرض کلیدی وجود دارد که باید با دقت به آن پرداخته شود. امر واقع این است که هر جا که مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی خواسته است موضوعی را توصیف نکند، فرض کرده است اگر بحثی در مورد آن نداشته باشد، هیچ تغییری در تحلیل بروز نخواهد کرد. این فرض بسیار عجیب در مواردی با اعتراف به اهمیت موضوع ولی نادیده گرفتن این اهمیت توسط مؤسسه مک‌کینزی همراه بوده است.

- مهمترین فرض در مورد گزارش این است که فرض شده است وضعیت سیاسی هیچ اثری بر روندهای ذکر شده ندارد. در این مورد مؤسسه مک‌کینزی اعلام کرده است که «اگرچه محیط سیاسی برای دستاوردهای اقتصادی مهم است، در این گزارش به مباحث سیاسی پرداخته نمی‌شود». برای گزارشی که یک دوره زمانی بیست‌ساله را مدنظر قرار داده است، چطور می‌توان فرض کرد که محیط سیاسی نادیده گرفته شود؟ در همین راستا چطور می‌توان تصور کرد که در محیط‌های مختلف سیاسی، وضعیت اقتصادی کشور بدون تغییر باقی بماند؟ کمترین انتظار این بود که اثر محیط سیاسی

به صورت یک طیف از احتمالات با طیف مشابهی از تغییرات در گزارش آورده می‌شد: یعنی گفته می‌شد که با فرض ثابت باقی ماندن وضعیت سیاسی، روند مثبت شده سناریوی محتمل خواهد بود و اگر این فرض در جهت بهبود تغییر کند، به ازای هر -- تغییر مثبت / منفی، -- تغییر مثبت یا منفی در دستاوردهای کلی بروز خواهد کرد. مهمترین چالش‌های سیاسی ایران بعد از برجام باید مشخص می‌شد زیرا این چالش‌ها به شدت بر روند توسعه کشور اثر خواهد گذاشت.

- مفروض دانستن فرض ثبات. در گزارش ذکر شده است که ثبات اهمیت دارد ولی در گزارش مک‌کینزی در مورد آن بحث نمی‌شود. پرسش این است که چطور می‌شود در یک دوره بیست‌ساله بحث ثبات را نادیده گرفت؟ کمترین انتظار این بود که اثر ثبات به صورت یک طیف از احتمالات با طیف مشابهی از تغییرات در گزارش آورده می‌شد: یعنی گفته می‌شد که با فرض ثابت باقی ماندن وضعیت ثبات، روند مثبت شده سناریوی محتمل خواهد بود و اگر این فرض در جهت بهبود تغییر کند، به ازای هر -- تغییر مثبت / منفی، -- تغییر مثبت یا منفی در دستاوردهای کلی بروز خواهد کرد. بحث امنیت در منطقه خاورمیانه بسیار مهم دیده می‌شود و در جدیدترین همایشی که در مورد امنیت خاورمیانه و مدیترانه در روزهای پایانی ماه می ۲۰۱۶ برگزار شد، وضعیت منطقه و چالش‌های این وضعیت دیده شده است.^۱ تردیدی نیست که هر نوع بی‌ثباتی و خطر بی‌ثباتی بر رغبت سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در ایران اثر می‌گذارد. نادیده گرفتن این اثر می‌تواند سبب شود که فرصت‌هایی مدنظر قرار بگیرد که در اثر بی‌ثباتی هرگز به تحقق نخواهد پیوست.

- نادیده گرفتن جهان و تحولات جهان. در گزارش مک‌کینزی فرض شده است که جهان تابع ایران است و هرچه ایران عرضه کند، جهان خریداری خواهد کرد یا روندهای جهان در ایران به صورت خودکار متحول خواهد شد و بنابراین جهان در اطاعت کامل از ایران، حضوری انفعالی دارد. قابل توجه است که مؤسسه مک‌کینزی در گزارشی که در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی با عنوان «آیا رشد بلندمدت را می‌توان نجات داد» انتشار داده است،^۲ به این نتیجه رسیده است که در پنجاه سال آینده، نرخ رشد متوسط جهان به نصف وضعیت کنونی کاهش خواهد یافت و در حد ۲/۱ درصد در سال محدود خواهد شد. کاهش رشد بهره‌وری یکی از دلایل این وضعیت تشخیص داده شده است. در این محیط جهانی، گزارش مک‌کینزی فرض کرده است که در دوسوم این دوره، ایران با رشد چشمگیری در حد حدود ۳ برابر متوسط جهان مواجه خواهد شد! نظر به اینکه گزارش مک‌کینزی به محیط بیرونی نمی‌پردازد، مشخص نشده است که کدام ویژگی می‌تواند چنین دستاورد حیرت‌انگیزی را برای ایران به ارمغان بیاورد. تنها فرضی که در این چارچوب می‌توان پذیرفت این است که مؤسسه مک‌کینزی فرض کرده است ایران هر کار که بکند، جهان آن را می‌پذیرد.

1. <http://www.aecpa.es/uploads/files/CALL%20FOR%20PAPERS%20Athens%20May%202016.pdf>

2. <http://www.mckinsey.com/global-themes/employment-and-growth/can-long-term-global-growth-be-saved>



— مفروض شمردن ارتقای بهره‌وری در زمینه‌های مختلف، شامل بهره‌وری نیروی کار و سرمایه. گزارش مک‌کینزی در تمام موارد به‌عنوان شرط لازم به نیاز به افزایش بهره‌وری در ابعاد بسیار گسترده اشاره کرده است ولی به این نکته عنایت نکرده است که افزایش بهره‌وری در ابعاد مدنظر گزارش مک‌کینزی به برنامه‌ریزی ویژه نیاز دارد. اگر امکان داشت فرض شود که ایران می‌تواند بدون سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی برای ارتقای بهره‌وری، سطح بهره‌وری اقتصاد ملی را به سطح کشورهای توسعه‌یافته جهان برساند، دیگر مشکلی برای رقابت با جهان وجود نداشت. در هر صورت اگر این فرض روا باشد، چرا در مورد سایر کشورهای جهان چنین فرضی پذیرفته نشود؟

— یکی از ویژگی‌های مطلوب در اقتصاد ایران نرخ بالای شهرنشینی ذکر شده است. امر واقع این است که براساس گزارش‌های مختلف، دلایل متعددی برای شهرنشینی و رشد شهرنشینی وجود دارد که همه آنها دلایل مثبت تلقی نمی‌شود. واقعیت این است که بیشترین رشد شهرنشینی در دنیای امروز در کشورهایی اتفاق افتاده است که از نظر اقتصادی در گروه کشورهای کمتر توسعه‌یافته اقتصادی قرار گرفته‌اند.^۱

بدون بررسی دلایل گسترش شهرنشینی نمی‌توان آن را موضوعی مثبت تلقی کرد. زمانی که دلایل مشخص شد، می‌توان الگویی برای تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها طراحی کرد. در گزارش مک‌کینزی هیچ بررسی ویژه‌ای در مورد دلایل گسترش شهرنشینی انجام نشده است و فقط با مقایسه ایران با کشورهای توسعه‌یافته به این نتیجه رسیده است که این روند مطلوب است.

بررسی‌ها نشان داده است که مهمترین عامل گسترش شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه فقدان فرصت شغلی در روستاهاست که سبب می‌شود مردم به شهرها روی آورند و حاشیه‌نشینی را گسترش بدهند. مشاغل غیرمولد متعددی که در شهرها در نتیجه این وضعیت ایجاد می‌شود، نشانه‌ای از این روند است.

— یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران که گزارش مک‌کینزی از تحلیل آن به کلی غافل باقی مانده است، شکاف عظیم درآمدی در کشور است. در گزارش آمده است که نمانام‌های (Brands) معروف جهان یا در ایران فعال شده‌اند یا مایلند در ایران فروشگاه داشته باشند و در این راستا از نمانام‌هایی مانند صفورا و مترو نام برده شده است.

امر واقع این است که نمانام‌های بسیار ویژه جهان هم در تهران عرضه می‌شوند و بحث مربوط به بعد از برجام و بازشدن درهای ایران نیست. پورشه (خودرو)، لالیک (کریستال)، گوچی (پوشاک و کفش و کیف زنانه و مردانه)، شوپارد (جوهر و زینت‌آلات ویژه) ساعت‌های بسیار ویژه جهان چه در

1. http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=2&ved=0ahUKEwjv56XjyZDPAhXJaxQKHWHbA_MQFgggMAE&url=http%3A%2F%2Fwww.bbc.co.uk%2Fschools%2Fgcsebite-size%2Fgeography%2Furban_environments%2Furbanisation_ledcs_rev1.shtml&usq=AFQjCNHckPRsBWsdh8IDUAoEd7oJsp5RjA&sig2=a1EPodmakQk7Q_ZX70iVFQ

محدوده نمانام‌های سنتی مانند ریموند ویل، پیازه، بوم‌مرسیه، پتہ‌فیلیپ و رولکس و چه در محدوده نسل جدید نمانام‌های ویژه مانند فرانک مولر، همه با فروش‌های استثنایی در تهران مواجه بوده‌اند. نمانام‌های شناخته شده کفش مانند ژئوکس و کلارکس سال‌های سال است که در تهران فعالیت می‌کنند و نمانام‌های معروف پوشاک و کفش ورزشی همه در تهران حضور دارند.

آیا این به معنی خوبی سطح زندگی متوسط ایرانیان است؟ امر واقع این است که تمام این خریداران در بالاترین دهک درآمدی قرار دارند و شکاف درآمدی بین گروه‌های دارا و ندار در حدی است که در هیچ گزارش رسمی آماری کشور بازتاب ندارد. وجود این نام‌ها در بازار تهران نشانه مشخصی از شکاف درآمدی است.

وقایعی که در ماه‌های اخیر در مورد دستمزدهای پرداختی به گروه‌هایی از مدیران دولتی بروز کرد، فقط تصویر کوچکی از بخش رسمی این گروه درآمدی بوده است. بخش بزرگی از مجموعه درآمدی از شبکه شبه‌دولتی خصوصی‌نما حاصل می‌شود که در اصطلاح عموم به آن بخش خصولتی گفته می‌شود.^۱

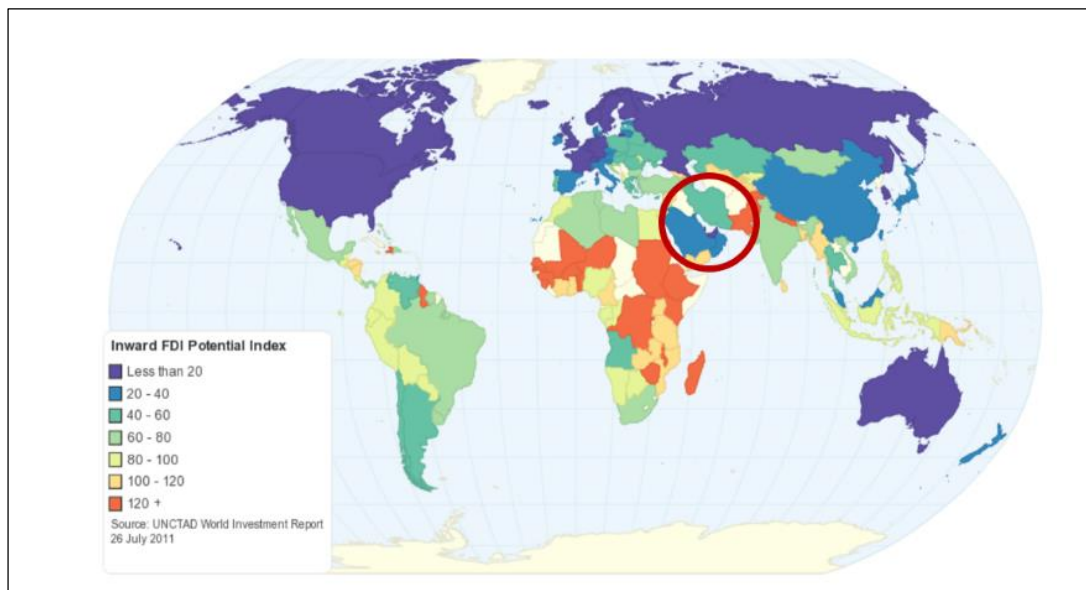
اغراق نیست اگر گفته شود در ایران دو گروه زندگی می‌کنند:

۱. گروه ایرانیان متعارف که تصویر آنها در آمارهای کشور مشخص می‌شود
 ۲. گروه ایرانیان دارای درآمدهای ویژه که تصویر آنها در بازارهای مصرفی کشور مشخص می‌شود.
- فرض هجوم خارجی‌ان برای سرمایه‌گذاری در ایران پس از امضای توافق هسته‌ای: در گزارش مک‌کینزی مطالبی در مورد استقبال بی‌نظیر خارجی‌ان پس از برجام، برای سرمایه‌گذاری در ایران آورده شده است و از رقم ۱۳۰ میلیارد دلار در یک دوره زمانی بسیار کوتاه‌مدت یاد شده است. چنین توهمی به‌طور قطع و یقین نگران‌کننده است زیرا اگر ایران بخواهد با این تصور که همه منتظر بوده‌اند تا درهای اقتصادی ایران باز شود و میلیاردها دلار را به داخل ایران سرازیر کنند، فقط سبب اختلال در برنامه‌ریزی است. توان بالقوه جذب سرمایه‌های خارجی را می‌توان با شاخص توان بالقوه جذب سرمایه‌گذاری خارجی (Inward FDI Potential Index) اندازه‌گیری کرد. این شاخص جدید که توسط آنکتاد طراحی شده است، وضعیت کشورها را از منظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد که جدیدترین شاخص از این نوع است. در نمودار براساس ارقام سال ۲۰۱۱ میلادی وضعیت جهان ترسیم شده است. ارقام جدیدتر این نمودار براساس خرید اطلاعات قابل دسترس است.

۱. اگرچه بحث اصلاح دستمزدها در این گزارش مطرح نیست، جا دارد توجه شود که راه‌حل پیشنهادی دولت در مورد سقف دستمزدها در واقع عامل بحران در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهد شد. این درحالی است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌روشنی سقف دستمزدها را محدوده بهره‌وری نیروی کار اعلام کرده است. اگر با نگاهی متکی به اسناد بالادستی و بدون عنایت به وضعیت و نیازهای کشور، راه‌های غیرمنطقی به‌عنوان رویه دولت اعلام شود، بحران‌های بعدی حاصل از این رویکردها و رویه‌ها عامل تخریب اقتصاد کشور خواهد شد. کدام گزارش کارشناسی دولت برای تدوین روش تنظیم سقف پرداخت‌ها نوشته شده است؟



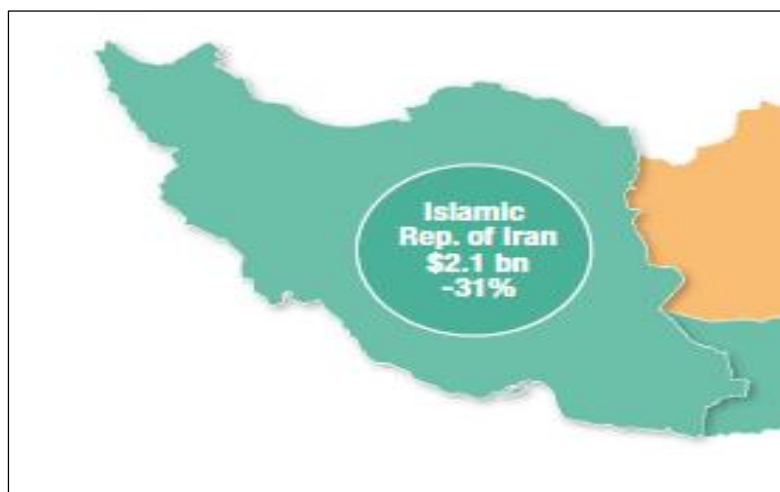
نمودار ۱. وضعیت کشورها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی



مأخذ: آنکتاد.

در گزارش جهانی سرمایه‌گذاری آنکتاد برای سال مقدار سرمایه‌گذاری خارجی ایران براساس عملکرد پنج‌ساله به صورت زیر تصویر شده است. در این نمودار هم وضعیت ذکر شده در گزارش مک‌کینزی قابل ردیابی نیست.

نمودار ۲. وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی ایران براساس عملکرد پنج‌ساله



مأخذ: همان.

در هر صورت، شاید دور از ذهن نبود که از مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی خواسته می‌شد که تحولات انتظاری در شاخص توان بالقوه پذیرش سرمایه‌گذاری توسط ایران در وضعیت جدید را ارزیابی می‌کرد و به‌جای بیان مطالب روزنامه‌ای متکی به انتظارات، تصویر با مبنایی از نظر امکان جذب منابع مالی جهانی برای ایران مدون می‌نمود.

شاخص دیگری که می‌تواند در این راستا اثرگذار باشد، شاخص اعتماد سرمایه مستقیم خارجی (FDI Confidence Index) است.^۱ اگرچه گزارش سال ۲۰۱۶ این شاخص ارقام مربوط به ایران را ثبت نکرده است، در متن گزارش آورده شده است که انتظار کلی جهان از دستاورد مذاکرات با حاصل واقعی آن تطابق ندارد و درحال حاضر تنش در هر دو طرف مذاکره وجود دارد. این متن هم نشان می‌دهد که ارقام گزارش مک‌کینزی عاری از واقعیت اجرایی است.

یک نکته مهم این است که براساس آمارهای موجود شاخص جهانی شدن مربوط به سال ۲۰۱۶ میلادی، جایگاه ایران در بین ۲۰۷ کشور جهان، رتبه ۱۵۴ است.^۲ این جایگاه نشان می‌دهد که پیش از ورود سرمایه‌های خارجی به کشور، ایجاد توان جذب این سرمایه‌ها الزامی است. بدترین مورد در پارامترهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شاخص جهانی شدن، مربوط به پارامترهای اقتصادی است که در آن رتبه ایران ۱۵۸ است.

با این اوصاف، تصویر مفروض گزارش مک‌کینزی در مورد اشتیاق بی‌چون‌وچرای سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به ایران، متکی به مشهودات امروز اقتصاد ایران نیست. بدیهی است که با رکود حاکم بر جهان، انتظار کلی این است که اگر ایران بتواند آماده پذیرش سرمایه‌های خارجی شود، ارقام به‌نسبت خوبی از سرمایه‌های راکد جهان به بازار ایران سرازیر خواهد شد و در همین چارچوب برخی از فناوری‌ها می‌تواند به ایران وارد شود. استفاده بهینه از آن فرصت می‌تواند برای ایران بسیار مفید باشد. شاید اگر این فرصت در گزارش مک‌کینزی برآورد می‌شد، تصویر حاصل به مراتب بهتر می‌بود.

بررسی آمار و اطلاعات استفاده شده در گزارش مک‌کینزی

در گزارش مک‌کینزی بعضی از آمار و اطلاعات استفاده شده با واقعیت‌های موجود در کشور سازگاری ندارد یا آنکه کاربردی که از آمار شده است، از منظر درست نبوده است. در زیر به موارد کلیدی اشاره شده است. بدیهی است که تغییر آمارها و اطلاعات باید با تغییر استنتاج‌های گزارش همراه شود. در این حالت تصویری که به‌دست می‌آید، با متن گزارش مک‌کینزی تفاوتی مشهود خواهد داشت.

1. <https://www.atkearney.com/documents/10192/8064626/2016+A.T.+Kearney+Foreign+Direct+Investment+Confidence+Index%E2%80%93FDI+on+the+Rebound.pdf/e61ec054-3923-4f96-b46c-d4b4227e7606>

2. http://globalization.kof.ethz.ch/media/filer_public/2016/03/03/rankings_2016.pdf



– وجود فرض‌های کلیدی اثرگذار بر دستاوردهای گزارش: ۶ محور کلیدی گزارش در نفس خود بر برداشت‌های مؤسسه مک‌کینزی اثر دارد و مشخص نیست اگر تغییری در این موارد ایجاد شود، الگوی استفاده شده در گزارش مک‌کینزی چگونه تغییر می‌کند. به گفته مؤسسه مک‌کینزی، بعد از تحریم‌ها (که به‌نظر می‌رسد بعد از برجام مدنظر باشد) ایران ۶ محور قدرت دارد که با تکیه بر آنها باید رشد اقتصادی خود را شکل بدهد. این محورها عبارتند از:

۱. بهره‌مندی از تنوع در اقتصاد کشور،
۲. داشتن سنت قدرتمند آموزش‌های علمی،
۳. وجود طبقه مصرف‌کننده‌ای که با سرعت بزرگ می‌شود،
۴. برخورداری از نرخ بالای شهرنشینی،
۵. برخورداری از فرهنگ ریشه‌دار کارآفرینی،
۶. قرارگرفتن در بین دو گروه اقتصاد شرق و غرب.

– گفته شده است که هزینه تولید نفت در ایران در پایین‌ترین رده‌ها قرار دارد. هزینه نهایی استخراج نفت که نشان‌دهنده هزینه افزوده شده به‌ازای یک واحد استخراج جدید نفت و گاز است، در ایران به نسبت پایین است. ارقام مربوط به سال ۲۰۱۴ میلادی در جدول نشان داده شده است.^۱ اطلاعات جدیدتر در این زمینه در هیچ یک از مراجع بین‌المللی و مراجع معتبر خارجی یا داخلی ردیابی نشد. بنابراین اعداد سال ۲۰۱۴ به‌عنوان جدیدترین ارقام موجود در نظر گرفته شده است. متأسفانه جدول کامل هزینه هر بشکه نفت برای کل کشورهای دارای نفت مشخص نیست و اطلاعات پراکنده است، ولی هر دو مورد مندرج در گزارش حاضر، تأیید می‌کنند که هزینه استخراج نفت در ایران به نسبت پایین است. قدر مسلم این است که حتی با قیمت‌های کنونی، هنوز ایران توانایی آن را دارد که با استخراج و صدور نفت، به‌طور خالص، سود کسب کند ولی ایران تنها کشور نفتی جهان نیست که از این ویژگی برخوردار است و تعدادی دیگر از رقبای ایران هم توانایی آن را دارند که در قیمت‌های پایین نفت تولید کنند.

گزارش مک‌کینزی بحث در مورد نحوه تقسیم سهم بازار در این حالت را نادیده گرفته است. در این مورد آمار و اطلاعات با جهت‌گیری مطلوب گزارش مک‌کینزی استفاده شده است که هیچ دلیلی برای وقوع این جهت‌گیری وجود ندارد. در زیر درباره این موضوع توضیح داده شده است.

1. <http://knoema.com/vyronoe/cost-of-oil-production-by-country>

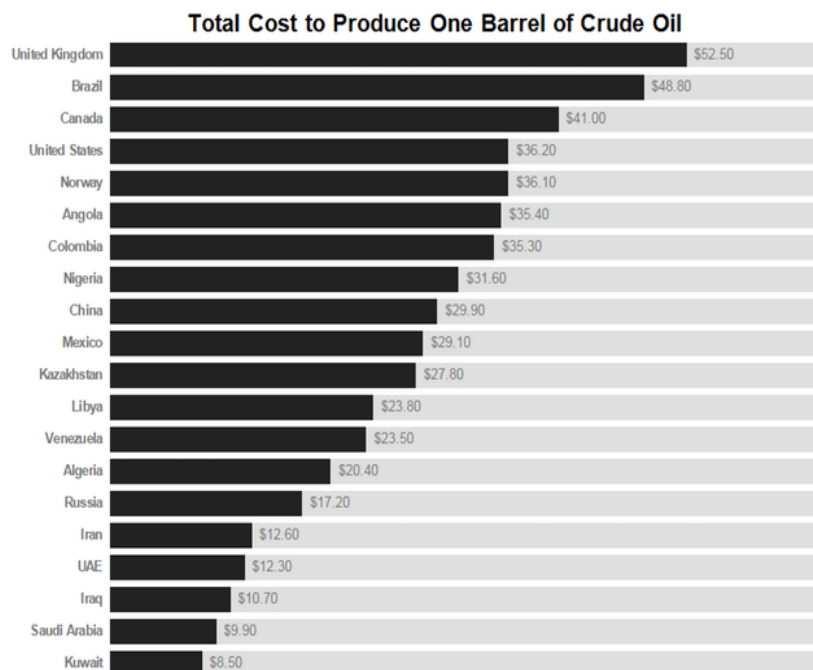
جدول ۱. هزینه تولید نفت کشورها در سال ۲۰۱۴

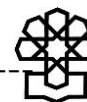
Marginal production cost by country
(USD/bbl)

		Marginal Production Cost
		2014
Russia	Arctic	120.00
	Onshore	18.00
Europe	Biodiesel	110.00
	Ethanol	103.00
Canada	Sand	90.00
Brazil	Ethanol	66.00
	Offshore	80.00
United States	Deep-water	57.00
	Shale	73.00
Angola	Offshore	40.00
Ecuador	Total	20.00
Venezuela	Total	20.00
Kazakhstan	Total	16.00
Nigeria	Deep-water	30.00
	Onshore	15.00
Oman	Total	15.00
Qatar	Total	15.00
Iran	Total	15.00
Algeria	Total	15.00
United Arab Emirates	Total	7.00
Iraq	Total	6.00
Saudi Arabia	Onshore	3.00

Source: www.knoema.com

نمودار ۳. هزینه کل تولید یک بشکه نفت خام





به نظر می‌رسد که کشورهای عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و عراق هزینه استخراجی کمتر از ایران داشته باشند و شکاف بین این کشورها و ایران در مواردی قابل ملاحظه است. کشورهای نیجریه نیز هستند که هزینه نفت آنها مشابه ایران است که از این جمله می‌توان به عمان و قطر و نیجریه برای استخراج نفت داخل خاک، اشاره کرد. نکته مهم این است که تمام کشورهای نامبرده شده در فهرست کشورهای رقیب ایران، ذخایر بزرگ نفت دارند و در صورت لزوم قادرند بازارشکنی کنند. در گزارشی که در نشریه وال استریت در ژانویه ۲۰۱۶ میلادی انتشار یافته است، شکاف هزینه بین کشورهای نفت‌خیز رقیب ایران با هزینه استخراج در ایران، به نسبت کمتر از ارقام سازمان‌های بین‌المللی درج شده است ولی در آنجا هم وضعیت ایران و رقبای نفتی این کشور، مشابه وضعیت ذکر شده در گزارش مک‌کینزی و متن حاضر است. با این اوصاف می‌توان پایین بودن هزینه استخراج در ایران و وجود رقبای عرب برای ایران با هزینه‌های کمتر یا مشابه ایران را به‌عنوان وضعیت‌های درست پذیرفت. به‌عبارت دیگر، یکی از چالش‌های ایران در مورد نفت و گاز آن است که رقبایی دارد که هزینه‌های استخراج آنها کمتر از ایران یا در حد ایران است و از نظر ذخایر هم قدرتمند محسوب می‌شوند.

گزارش مک‌کینزی نموداری ارائه داده است که در آن هزینه استخراج نفت برای کشورهای ایران، امارات متحده عربی، الجزایر، عراق، روسیه، کانادا، نیجریه، برزیل، ایالات متحده آمریکا و آنگولا درج شده است و متوسط این هزینه ۲۹ دلار به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵ آورده شده است. در جدول مشخص نیست که هزینه‌ها مربوط به چه زمانی است و در هر صورت عربستان سعودی و کویت در فهرست وجود ندارد. علاوه بر این هزینه استخراج نفت توسط امارات و عراق بیش از ایران منظور شده است هرچند که حاشیه تفاوت به نسبت محدود است. مأخذ این اطلاعات بخش دیگری از مجموعه مک‌کینزی است^۱ که به گفته خود اطلاعات مربوط به نفت بیش از ۱۵۰ کشور و متجاوز از ۱۴ هزار چاه را در اختیار دارد. این گزارش‌ها در شمار گزارش‌های گران جهان است که هر نسخه آن دستکم ۷۰۰ پوند هزینه دارد و اطلاعات آن به‌صورت آزاد انتشار نمی‌شود. در اوت ۲۰۱۶ هم وود مک‌کینزی گزارش سه صفحه‌ای ویژه‌ای در مورد نفت و گاز ایران انتشار داده است که در آن اعلام کرده است شرکت ملی نفت ایران، پس از برجام، و برای زمان برقراری روابط با کشورهای مختلف جهان، حدود ۴۹ پروژه برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت دارد که سرمایه‌گذاری بر آنها می‌تواند بسیار جذاب باشد.^۲ نحوه دریافت این گزارش هم نامشخص است.

با وجود پیچیدگی ارقام ارائه شده و به‌رغم محدودیت دسترسی به گزارش‌های نفت و گاز مربوط به شرکت وود مک‌کینزی، ارقام انتشاریافته در سطح جهان هم کم و بیش اطلاعات مربوط به گزارش

1 Wood McKinsey Upstream Data Tools, Q1 2016.

2. <https://www.woodmac.com/reports/upstream-oil-and-gas-iran-oil-and-gas-wood-mackenzies-2016-analysis-41508135>

مک‌کینزی را نشان می‌دهد و در هر صورت حاکی از آن است که ایران در بین تولیدکنندگان بزرگ نفت رقبایی هم دارد که روابط بین آنها و ایران آنقدر دوستانه نیست که تصور شود، آنها بازار را برای ایران باز می‌گذارند. این بخش از تحلیل در گزارش مک‌کینزی دیده نمی‌شود و مهمتر آنکه در نموداری که در گزارش مک‌کینزی ارائه شده است، کشورهای رقیب جدی ایران، از جمله عربستان سعودی و کویت، نادیده گرفته شده‌اند.

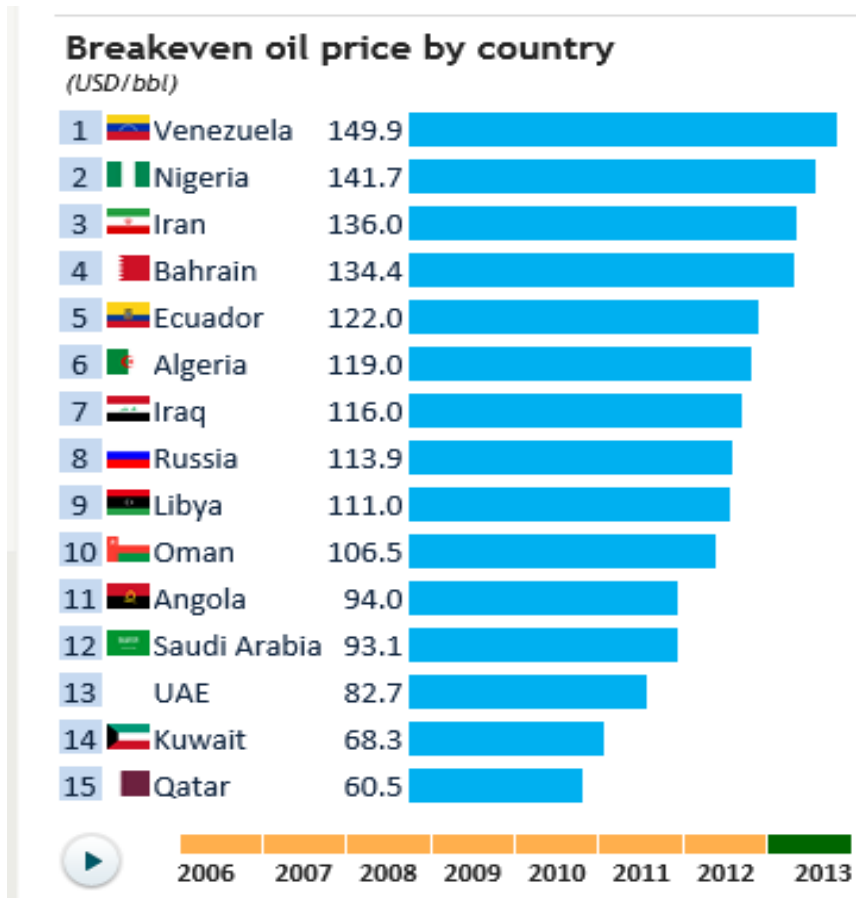
در گزارش مک‌کینزی آمده است که ایران مایل است صادرات نفت و گاز خود را به سطح پیش از تحریم برساند ولی ذکر نشده است که وجود تحریم آمریکا چه محدودیتی را برای ایران ایجاد کرده است و به روایتی این تحریم چه اثری بر رفتار رقبای ایران در بازار نفت داشته است. در گزارش ۲۵ آوریل ۲۰۱۶ وود مک‌کینزی اشاره محدودی به این وضعیت شده است.^۱ به‌طور خلاصه، عمق بحث در مورد وضعیت بازار نفت برای ایران در گزارش مک‌کینزی باید به مراتب بیشتر از مطالب ذکر شده باشد. نکته مهم دیگری که در این راستا باید توجه شود، شدت نیاز کشور به درآمدهای ارزی نفت است که با نقطه سر به سری نفت برای کشورهای مختلف نشان داده شده است. در نمودار دیده می‌شود که اگر قیمت نفت به ۱۳۶ دلار برسد، اقتصاد ایران در آرامش قرار می‌گیرد. در فهرست کشورهایی که به نام رقبای بالقوه و بالفعل ایران نام برده شدند، نقطه سر به سری نفت برای همه کمتر از ایران است:^۲ یعنی در صورتی که توافق عمومی در بازار نفت برقرار نشود، حاشیه‌ای از قیمت (شاید در حد ۲۰ دلار برای هر بشکه) وجود دارد که در آن رقبای ایران ممکن است بخواهند با هدف ضربه زدن به ایران، قیمت بازار را کاهش بدهند. نقش اوپک در برقرارسازی ثبات در بازار بسیار اهمیت دارد.

1. <https://www.woodmac.com/reports/upstream-oil-and-gas-how-much-oil-will-iran-export-in-2016-37691028>

۲. یکی از محورهای کلیدی اقتصاد مقاومتی که درون‌سازی است، بر این مبنا استوار است که ایران نباید در اثر تحولات برونزا و خارج از اختیار مدیریت اجرایی کشور، ضربه بخورد. نفت یکی از آن مواردی است که می‌تواند به ایران ضربه بزند. از این منظر، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خواهان اصلاحاتی شده است که در آن مجموعه، قطع وابستگی بودجه به درآمدهای ارزی نفتی است. دولت باید نظم مالی خود را تغییر بدهد و از وضعیت وابستگی و بزرگی بدون بهره‌وری کنونی خارج شود. در چنین حالتی است که ایران می‌تواند نقطه سر به سری قیمت نفت را کاهش بدهد و وابستگی اقتصاد ملی به نفت را به کمترین حد برساند تا منافع حاصل از صادرات نفت باقی بماند ولی وابستگی‌های مربوط به درآمدهای ارزی نفت، متوقف شود. اگر دولت بتواند ضریب وابستگی اقتصاد ملی به ارزهای نفتی را به کمتر از ۳۰ درصد کاهش بدهد و از طرف دیگر با خودداری از خام‌فروشی، ارزش افزوده محصول متکی به نفت صادرشده را تقویت کند، بدون تردید نقطه سر به سری در مورد نفت به کمترین حد خواهد رسید که در این حالت توان رقابت ایران در مقایسه با هم‌نایان رقیب خود در مورد صادرات نفت، افزایش خواهد داشت.



نمودار ۴. نقطه سر به سر قیمت نفت برای کشورهای نفتی



Source: www.knoema.com.

اهمیت مسائل سیاسی و ایجاد امنیت در بازار را می‌توان با افزودن این نکته تأکید کرد که عربستان هم در مورد نفت و هم در مورد گاز طبیعی می‌تواند رقیب ایران باشد هرچند که ذخایر گاز عربستان از ذخایر گاز ایران بسیار کمتر است.

به‌طور خلاصه، مفروضات گزارش مک‌کینزی در مورد وضعیت نفت و گاز در کشور بدون در نظر گرفتن سایر کشورها و بدون عنایت به قدرت رقابت کشورهای نزدیک به وضعیت ایران، انجام شده است که در نهایت می‌تواند تصویر نادرستی در مورد وجود امکانات نامحدود برای ایران ایجاد کند. گزارش مک‌کینزی هم همین تصویر را تدوین کرده است.

– برای نمایش تنوع در اقتصاد ایران از سهم نفت و گاز در محصول ناخالص داخلی کشور و مقایسه آن با کشورهای برگزیده دیگر استفاده شده است. نگاهی به آمارهای بانک جهانی برای سهم افزونه بخش نفت در محصول ناخالص داخلی نشان می‌دهد^۱ که در سال ۲۰۱۴ میلادی در بین

1. Oil rent per GDP data. <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PETR.RT.ZS>

کشورها و گروه کشورهای جهان در رتبه یازدهم قرار داشته است و نسبت افزونه نفتی به محصول ناخالص داخلی در ایران در ۲۳/۶ درصد بوده است. این درحالی است که نسبت مورد بحث در جهان عرب در حالت کلی در حد ۲۵/۶ درصد و در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در حد ۲۵/۵ درصد قرار داشته است. قابل توجه است که نسبت مطرح شده برای قطر و کویت که از نظر هزینه استخراج نفت هم در وضعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارند، به ترتیب معادل ۱۹/۵ درصد و ۱۹/۰ درصد بوده است. دو کشور عربستان سعودی و کویت از لحاظ این نسبت در رده‌های بسیار بالا قرار دارند و به افزونه نفتی به شدت وابسته‌اند ولی این قاعده، همان‌طور که دیده شد، برای تعداد دیگری از رقبای نفتی ایران مصداق ندارد. دفاع از منطق ارزش‌افزوده برای نمایش تنوع اقتصادی، آن هم در سطح کلان، می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد.

– برای نمایش بزرگی قدرت خرید جامعه ایرانی، گفته شده است که ایران در سال ۲۰۱۴ از نظر محصول ناخالص داخلی به قیمت‌های برابری قدرت خرید هیجدهمین کشور دنیاست. این حرف درست است ولی نباید رتبه ذکر شده را به معنی داشتن توانایی جدی برای خرید کالا و خدمات محسوب کرد. مرجع آمار ذکر شده در گزارش مک‌کینزی، صندوق بین‌المللی پول است که مرجعی بین‌المللی است و نباید به آن تردید کرد ولی همین مرجع اعلام کرده است^۱ که ایران از نظر سرانه برابری قدرت خرید در همین زمان در رتبه ۷۰ قرار دارد:^۲ یعنی آن بازار بزرگی که مؤسسه مک‌کینزی به آن اشاره کرده است، بیش از آنکه از نظر قدرت خرید بزرگ باشد، از نظر تعدد جمعیت بزرگ است. طبیعی است که جمعیت بیشتر به معنی داشتن قدرت خرید جدی نیست. می‌توان گفت که ایران بازار بزرگی است که اگر بتوان قدرت خرید مردم این کشور را حفظ کرد، ابعاد تقاضا بسیار گسترده خواهد بود.

– در بحث آموزش‌های علمی و داشتن سنت دیرینه فنی و علمی در کشور، منطق ارائه شده این است که باسواد فنی (Technical Literacy) عامل توانمندی است که می‌تواند (can) بهره‌وری را افزایش دهد. این بیانیه بدون تردید متین و درست است. با وجود این، متن فقط بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. در زبان انگلیسی بین واژه‌های "can" و "will" تفاوت زیادی وجود دارد و استفاده هوشمندانه از واژه «می‌تواند» حکایت از این دارد که «اگر بخواهد می‌تواند». قدر مسلم این است که با برداشته شدن تحریم‌ها هنوز «اگر بخواهد» به توانستن منجر نمی‌شود و الزامات دیگری هم باید بر این خواستن افزوده شود.

متن گزارش مک‌کینزی، با گزینش واژه‌های دقیق همراه شده است تا مؤسسه مک‌کینزی بتواند جایگاه خود را در بازارهای مشاوره‌ای جهان با دقت حفظ کند. پرسش اینجاست که چطور این توان بالقوه را می‌شود به یک توان بالفعل مبدل کرد؟

1. <http://statisticstimes.com/economy/countries-by-projected-gdp.php>

2. <http://statisticstimes.com/economy/countries-by-projected-gdp-capita-ppp.php>



فهرست فرهیختگان ایرانی در اطراف جهان به قدری طویل است که گاه می‌توان ایرانی را تصور کرد که هر گوشه آن را یکی از این فرهیختگان اداره کند و چه ایرانی ساخته می‌شود. اما آیا این نیروی خلاق بالقوه در هیچ زمان به یک موتور بالفعل مبدل شده است؟ چالش ناتوانی یا بی‌ رغبتی (هرچه باشد) نسبت به بالفعل کردن حضور برخی نخبگان ایرانی در اقتصاد کشور را چطور می‌شود به یک فرصت مبدل کرد؟ کدام مرکز پژوهشی این کشور حتی فهرستی از مشخصات این گروه مدون کرده است؟ گزارش مک‌کینزی فقط چند نام محدود را ذکر کرده است ولی نه چالش را مطرح کرده و نه روش تبدیل چالش به فرصت را.

بدون تردید فهرست ایرانیانی که در جهان در شمار موفق‌ترین پیشه‌پردازان (Entrepreneurs) جهان قرار دارند، فهرست به نسبت درازی است. بنابراین بحث فقط به مهندسی ختم نمی‌شود. در ایجاد گوگل و ای‌بی و موارد مشابه هم ایرانیان حضور فعال داشته‌اند. اینها همه یک لشکر بالقوه توفیق محسوب می‌شوند و چالش فعال نشدن آنها باید مطرح شود.

بحث این است که ۱. آیا مدیریت اجرایی کشور قادر است این فرهیختگان ایرانی را به کار بگیرد؟ ۲. آیا نظام اقتصادی ما در راستای استفاده از این نیروهای بالقوه قرار دارد؟ و ۳. چرا فرار مغزها در کشور زیاد است؟ برای آنکه سرمایه انسانی کشور بتواند در راه توسعه بلندمدت کشور فعال شود، چه چالش‌هایی وجود دارد و این چالش‌ها را چگونه باید به فرصت‌ها مبدل کرد؟

برای روشن شدن جدی بودن این چالش‌ها، باید توجه داشت که نرخ بیکاری در جوانان دانشگاه‌رفته کشور بسیار بالاست. چرا نرخ بیکاری در بین جوانان دانشگاه‌دیده ایرانی بسیار بالاتر از نرخ متوسط بیکاری در کشور و بالاتر از نرخ متوسط بیکاری در جوانان کشور است؟

در هر صورت، چرا فقط بحث مهندسان مورد توجه مؤسسه مک‌کینزی قرار گرفته است، موضوع روشن نیست ولی اغراق نیست اگر گفته شود که در گروه پزشکان برجسته جهان هم ایرانیان زیادی وجود دارند و از نظر تاریخی، ایرانیانی که در حرفه پزشکی ستون علمی باقی مانده‌اند به نسبت زیاد است.

این نکته که در سمت‌های اجرایی کشور در ایران تعداد زیادی از افراد مدرک دانشگاهی دارند و تعداد دارندگان مدرک دکترا در این گروه بسیار زیاد است، حتی در ایالات متحده آمریکا هم چنین سابقه‌ای قابل ردیابی نیست، نمی‌تواند دلیل محکمی باشد که ایران از نیروی متخصص خود استفاده خوبی می‌کند. اگرچه اطلاعات کافی در مورد درصد گروهی که در رشته تخصصی خود فعالیت می‌کنند، در دست نیست، مشاهدات کلی نشان می‌دهد که بیشتر اشخاص در مشاغل حضور دارند که با حوزه تخصصی آنها رابطه مشخص و ملموسی ندارد.

بررسی مقالات انتشار یافته توسط ایرانیان داخل کشور نشان می‌دهد که در اکثریت قاطع این مقالات، نویسندگان مسئول دانشجویانی هستند که پایان‌نامه‌های خود را می‌نویسند. در بیشتر موارد

بزرگانی که نام آنها در مقالات درج می‌شود، نقش مشخصی در تدوین مقالات ندارند. به این ترتیب، مقالاتی که حاصل کار گروهی جمعی از فرهیختگان کشور دیده می‌شود، به‌واقع مقالاتی تنظیم شده توسط یکی از گروه است. این وضع نمادی است که کسانی که باید دانش خود را به کار بگیرند، در بهترین وضعیت فقط در سطح نظارت و اظهار نظر حضور دارند.

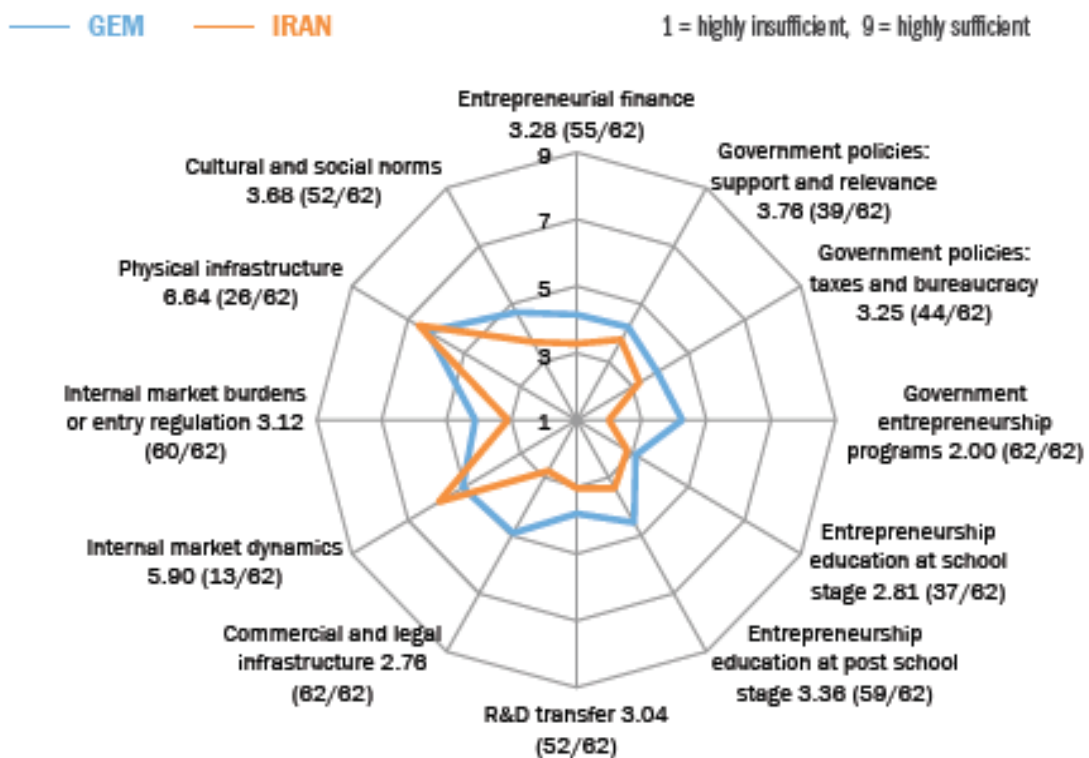
– در مورد فرهنگ پیشه‌پردازی در ایران، شاید وضعیت ایران در گزارش سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ رصد پیشه‌پردازی جهانی (Global Entrepreneurship monitor) بهترین نماد ارزیابی پیشه‌پردازی در کشور باشد. در نمودار زیر عین گزارش آورده شده است.

ایران در مقایسه با متوسط وضعیت پیشه‌پردازان در گزارش مورد بحث از نظر زیرساخت فیزیکی و مکانیسم‌های بازارهای داخلی بالاتر از متوسط جهان است و در این دو مورد هم به ترتیب امتیاز ۲۶ از ۶۲ و ۱۳ از ۶۲ به ایران تخصیص داده شده است. در مورد آموزش‌های پیشه‌پردازی، امتیاز ایران به نسبت کمتر از متوسط کشورهای بررسی شده است. ایران از نظر موانع ورود به بازار و دشواری ورود به کسب‌وکار در رده‌های بسیار پایین قرار گرفته است ولی در دو محور برنامه‌های دولتی پیشه‌پردازی و زیرساخت تجاری و حقوقی، در واقع بدترین کشور بررسی شده بوده است.

این امتیازها نمی‌تواند نشانه‌ای از فرهنگ پیشه‌پردازی در کشور باشد. عجیب است که مؤسسه مک‌کینزی با اشاره به همین گزارش، وجود فرهنگ پیشه‌پردازی در ایران را ستوده است.

نمودار ۵. رتبه ایران از منظر فرهنگ پیشه‌پردازی

Expert Ratings of the Entrepreneurial Eco-system (rank out of 62 recorded in brackets)





- در مورد صادرات ایران گفته شده است که صادرات ایران در سال‌های اخیر نوسان داشته ولی در مجموع صادرات ایران نسبت به محصول ناخالص داخلی این کشور حدود یک‌سوم است. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد که براساس آمارهای سال ۲۰۱۴ میلادی (ایران برای ۲۰۱۵ عدد ارائه نکرده است)، ایران در بین ۲۶۴ کشور، در رتبه ۱۶۹ قرار گرفته است. در این سال نسبت صادرات به محصول ناخالص داخلی ایران در حد ۲۴/۲ درصد بوده است. رقم مشابه برای ژاپن ۱۷/۷ درصد است که به این ترتیب رتبه ژاپن را به ۱۹۶ رسانیده است. استرالیا با رتبه ۱۸۴ از نسبت ۲۰/۹ درصد برخوردار است. موضوعی که باید به آن دقت شود، مفهوم نسبت صادرات به محصول ناخالص داخلی است. این نسبت فقط می‌تواند چند مفهوم را ارزیابی کند:

۱. صحت سیاست‌های ارزی کشور و نرخ ارز در کشور،
۲. اگر این صحت مورد تأیید قرار بگیرد، درجه باز بودن اقتصاد ملی با این نسبت قابل ردیابی است.

برای روشن شدن مورد ۱ لازم است عنایت شود که نسبت مورد بحث به صورت درصد و عدد بیان می‌شود: یعنی ارزش صادرات از ارز به پول ملی تغییر داده می‌شود و سپس با ارزش جاری محصول ناخالص داخلی به پول ملی مقایسه می‌شود. حال اگر ارزش پول ملی بی‌رویه ارزان شده باشد، ارزش صادرات بدون منطق بزرگ می‌شود. برای گریز از این وضعیت لازم است ارزش ارزی صادرات به دلار ثابت (با هر مبنای انتخابی) به ارزش محصول ناخالص داخلی کشور به پول ملی و با قیمت‌های ثابت حساب شود. به‌عنوان مثال گفته می‌شود که به‌ازای هر ۱۰ هزار ریال محصول ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت، ۱ دلار به قیمت برابری قدرت خرید، صادرات وجود دارد. این مفهوم می‌تواند ابعاد صادرات را در اقتصاد ملی مشخص کند ولی در نفس خود با مشکل دشواری مقایسه با کشورهای دیگر جهان مواجه می‌شود. گزارش مک‌کینزی به این ویژگی هیچ توجه نداشته است و عجیب نیست که دستاورد محاسبه این بوده است که ایران در واقع صادرکننده بزرگی است! به‌نظر می‌رسد که دست‌کم بخشی از بزرگ شدن این نسبت به نرخ دلار در کشور وابسته بوده است. در این مورد استفاده از ارقام بدون عنایت به محتوای آنها صورت گرفته است و اگر تحلیل محتوایی ارقام درست انجام شود، استنتاج گزارش مک‌کینزی قابل دفاع نیست.

- گفته شده است که ۲۰ شرکت برتر ایران فروش سالیانه‌ای بیش از ۵ میلیارد دلار داشته‌اند. براساس اطلاعات سازمان مدیریت صنعتی که مرجع اطلاعات گزارش مک‌کینزی هم بوده است،^۱ در

1. <http://www.polymervabastebandi.ir/%D9%BE%DB%8C%D8%B4%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-%D9%BE%D9%86%D8%A7/10106-100-%D8%B4%D8%B1%DA%A9%D8%AA-%D8%A8%D8%B1%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D9%84-94-%D9%85-%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF-%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%85-%DB%8C-%D9%88-%D9%85%DB%8C%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4.html>

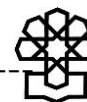
سال ۱۳۹۴ فقط ۹ مجموعه بنگاه یا بنگاه برتر فروشی بیش از این رقم داشته‌اند. در سال ۱۳۹۳ فقط ۸ مورد فروش بیش از ۵ میلیارد دلار وجود داشته است. بررسی اسامی این مجموعه جالب است. در جدول ارقام به میلیارد است و برای تبدیل ریال به دلار آمریکا از نرخ هر دلار آمریکا معادل ۳۵,۴۰۰ ریال استفاده شده است. از این ۹ مورد، ۶ مورد هلدینگ‌اند و یک بنگاه نیستند. همه این مجموعه‌ها، بجز هلدینگ ایران خودرو، شرکت‌های نفتی و وابسته به آن (پتروشیمی و پالایش) یا بانک‌ها هستند. شرکت ایران خودرو هم متشکل از ۳۴ شرکت است که تعدادی از آنها در خارج از ایران فعالند.

جدول ۲. فروش ارزی و ریالی شرکت‌های عمده در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴

رتبه	نام شرکت یا هلدینگ	فروش ریالی سال ۱۳۹۴	فروش ریالی سال ۱۳۹۳	فروش ارزی سال ۱۳۹۴	فروش ارزی سال ۱۳۹۳
۱	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس (هلدینگ)	۳۰۸,۴۲۴/۷۰	۲۵۶,۱۱۷/۰۰	۸/۷۱۲۵۶	۷/۲۳۴۹۴
۲	شرکت پالایش نفت اصفهان	۳۰۲,۳۸۱/۶۰	۳۶۷,۶۲۲/۵۰	۸/۵۴۱۸۵	۱۰/۳۸۴۸
۳	بانک ملی ایران (هلدینگ)	۲۹۴,۵۸۲/۳۰	۱۹۶,۹۸۵/۷۰	۸/۳۲۱۵۳	۵/۵۶۴۵۷
۴	شرکت پالایش نفت بندرعباس	۲۶۴,۹۰۹/۲۰	۴۰۰,۵۷۹/۴۰	۷/۴۸۳۳۱	۱۱/۳۲۱۵
۵	شرکت گروه گسترش نفت و گاز پارسیان (هلدینگ)	۲۴۳,۸۵۱/۲۰	۲۱۰,۳۹۴/۰۰	۶/۸۸۸۴۵	۵/۹۴۳۳۳
۶	بانک پارسیان (هلدینگ)	۲۱۹,۲۴۴/۹۰	۱۱۷,۸۶۷/۱۰	۶/۱۹۳۳۶	۳/۳۲۹۵۸
۷	شرکت ایران خودرو (هلدینگ)	۲۱۶,۳۹۴/۵۰	۱۱۱,۹۴۲/۲۰	۶/۱۱۲۸۴	۳/۱۶۲۲۱
۸	شرکت پالایش نفت تهران	۲۰۱,۲۸۲/۴۰	۲۳۶,۶۸۹/۱۰	۵/۶۸۵۹۴	۶/۶۸۶۱۳
۹	بانک ملت (هلدینگ)	۱۹۲,۹۵۱/۲۰	۱۵۰,۸۲۶/۰۰	۵/۴۵۰۶	۴/۲۶۰۶۲
۱۰	بانک تجارت (هلدینگ)	۱۴۹,۴۰۰/۶۰	۱۲۲,۷۱۴/۱۰	۴/۲۲۰۳۶	۳/۴۶۶۶۵

مأخذ: گزارش حاضر، برگرفته از سازمان مدیریت صنعتی.

موضوع انتخاب مرز ۵ میلیارد دلار فروش را می‌توان نادیده گرفت ولی استنتاج انجام شده در مورد تنوع بنگاه‌ها در واقع نادرست است. نکته دیگری که گزارش مک‌کینزی به آن دقت نکرده این است که بیشتر این مجموعه، یک بنگاه نیستند و یک گروه بنگاه‌اند که هر یک از ده‌ها بنگاه تشکیل شده‌اند. مجموعه‌های بانکی دولتی اغلب از بانک، لیزینگ، بیمه، شرکت سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های مالی تشکیل شده‌اند. مجموعه‌های نفتی هم اغلب در بخش تولیدی از بنگاه‌های مشابه خودشان یا در حرفه خودشان تشکیل شده‌اند و در بخش خدماتی انواع شرکت‌های بازرگانی، سازنده، سرمایه‌گذاری و صادراتی را ایجاد کرده‌اند. بحث در مورد جزئیات این بنگاه‌ها از حوزه گزارش حاضر خارج است ولی قدر مسلم اطلاعات مندرج در گزارش مک‌کینزی در مورد ابعاد فروش و تنوع فعالیت بنگاه‌های برتر ایران، نادرست است.



- گفته شده است که بانک‌های ایران براساس ضوابط کنوانسیون بال ۱ اداره می‌شوند. این گفته درست نیست. در بین بانک‌های کشور تعدادی هستند که ضوابط کیفیت سرمایه را در حد بال ۳ رعایت می‌کنند ولی بانک‌هایی نیز وجود دارند که کیفیت سرمایه آنها حتی منفی است! یعنی از نظر تجاری توان پرداخت خود را از دست داده‌اند. ناتوانی مقام پولی کشور در مدیریت بانک‌ها و وضع ضوابط برای آنها بدون تردید قابل مشاهده است ولی این یک قاعده کلی نیست که همه بانک‌های کشور در استاندارد بال ۱ قرار دارند.

- گفته شده است که بیش از نیمی از خانوارهای ایرانی درآمدی بالای ۲۰ هزار دلار دارند. در این گفته مشخص نیست که این رقم درآمد مبنای ماهیانه دارد یا سالیانه. در هر صورت می‌توان فرض کرد که این ۲۰ هزار دلار درآمد سالیانه یک خانوار ایرانی باشد. اگر چنین باشد، هنوز رقم مطرح شده در مقایسه با جهان پیشرفته و اغلب کشورهای در حال توسعه رقم بسیار بزرگی نیست.

جدول درآمد کل سالیانه خانوارهای شهری و روستایی کشور براساس انتشار مرکز آمار ایران ارائه شده است. سال ۱۳۹۳ جدیدترین اطلاعات موجود را نشان می‌دهد. با فرض هر دلار آمریکا معادل ۳۵,۴۰۰ ریال ایران، درآمد متوسط سالیانه یک خانوار شهری در حد ۶,۸۱۷ دلار آمریکا می‌شود. هر رقم برابری دیگری هم که برای دلار به ریال در نظر گرفته شود، این رقم به ۲۰ هزار دلار نمی‌رسد. بدون تردید درآمد خانوارهای روستایی بسیار کمتر از این رقم خواهد شد. اگر میانگین درآمد خانوارهای کشور در این حد باشد، نمی‌توان تصور کرد که نیمی از خانوارهای کشور بیش از این میانگین درآمد دارند زیرا توزیع درآمد براساس ضریب جینی در کشور، به سمت گروه‌های مرزی اریب دارد.

جدول ۳. درآمد کل سالیانه خانوار شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۳

روستایی		شهری		سال
رشد (درصد)	درآمد کل	رشد (درصد)	درآمد کل	
-	۵۹,۳۳۷	-	۱۰۶,۱۵۶	۱۳۸۹
۳۴/۴	۷۹,۷۲۷	۲۲/۷	۱۳۰,۳۰۱	۱۳۹۰
۲۷/۰	۱۰۱,۲۸۱	۲۸/۳	۱۶۷,۲۴۱	۱۳۹۱
۱۹/۶	۱۲۱,۰۹۱	۲۲/۳	۲۰۴,۵۴۹	۱۳۹۲
۱۴/۸	۱۳۹,۰۵۱	۱۸/۰	۲۴۱,۳۱۸	۱۳۹۳

حتی اگر این درآمد وجود می‌داشت، هنوز باید به جای درآمد، قدرت خرید کشورهای مختلف و خانوارهای جهان مدنظر قرار می‌گرفت. متأسفانه آمارهای قدرت خرید خانوارهای جهان شامل اطلاعات مربوط به ایران نیست. مقایسه قدرت خرید در سطح ملی در کشورهای مختلف جهان برای اواسط سال

۲۰۱۶ میلادی نشان داده است که مرتبه ایران از نظر قدرت خرید خانوار در سطح ملی در جایگاه ۸۹ از ۱۳۱ کشور بررسی شده قرار گرفته است.^۱ این تصویر با آنچه گزارش مک‌کینزی از خانوارهای کشور در حال حاضر ترسیم می‌کند، تفاوت آشکار دارد. بنابراین در مورد وضعیت خانوارهای کشور نه ارقام مراجع رسمی ملی و نه ارقام مراجع بین‌المللی، تصویر مندرج در گزارش مک‌کینزی را تأیید نمی‌کنند.

– گفته شده است که ضریب نفوذ تلفن‌های موبایل در ایران بسیار بالاست. براساس گزارش بانک جهانی^۲ در سال ۲۰۱۴ میلادی (جدیدترین سال وجود آمار جهانی و در گزارش ۲۰۱۶ نماگرهای توسعه جهان) در بین ۲۶۴ کشور، ضریب نفوذ تلفن‌های موبایل در ایران در رتبه ۱۷۱ قرار گرفته است. این جایگاه به هیچ وجه جایگاه مطلوبی نیست. برای روشن شدن موضوع کافی است عنایت شود که وضعیت ایران از نظر ضریب نفوذ تلفن‌های موبایل اندکی بدتر از کل گروه کشورهای دارای درآمد متوسط و کمتر از متوسط است. قابل توجه است که در تعدادی از کشورهای در حال توسعه جهان از فناوری موبایل برای آموزش نیروی انسانی استفاده شده است و این امر سبب شده است که نفوذ موبایل در آن کشورها به شدت و براساس سیاست دولت‌ها افزایش یابد.

بررسی روش تحلیل در گزارش مک‌کینزی

روش تحلیل در گزارش مک‌کینزی، روش خرد به کلان است. این روش برای فرصت‌شناسی مفید است و قاعده آن این است که رشته فعالیت‌های محوری در اقتصاد ملی مدنظر قرار می‌گیرد. در این روش محورشناسی مهمترین نکته است و اگر این محورشناسی با دقت انجام نشود، نمی‌توان تحلیل را به‌عنوان یک نوع رویکرد به برنامه‌ریزی مدنظر قرار داد.

در گزارش محورهای اصلی رشته فعالیت‌های متکی بر منابع (نفت، گاز، معادن و پتروشیمی) و متکی بر گستردگی مصرف (خودرو و مواد مصرفی خانوارها) یا سهولت کسب درآمد (گردشگری) بوده است.^۳ در متن تفصیلی گزارش مک‌کینزی، فعالیت‌های اقتصادی در قالب چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند:

۱. فعالیت‌های متکی به داشته‌های منابع طبیعی (نفت و گاز، پتروشیمی، معدن و کشاورزی)،
۲. فعالیت‌های استفاده از صنایع رقابتی در سطح بین‌المللی (خودرو، مواد پایه‌ای، کالاهای مصرفی خانوارها، خرده‌فروشی و گردشگری)،

1. http://www.numbeo.com/cost-of-living/rankings_by_country.jsp

2. <http://data.worldbank.org/indicator/IT.CEL.SETS.P2>

۳. شناخت اولویت‌ها موضوع مهمی است که در بررسی الگوهای راهبردی باید مدنظر قرار بگیرد. دسته‌بندی‌های گروهی از این نظر اولویتی ندارند. قدر مسلم این است که کم و بیش همه کسانی که در مورد نیازهای ایران مطلبی نوشته‌اند، به لزوم ارتقای سطح فناوری در ایران تأکید کرده‌اند. به‌عنوان مثال نوشته شهریار افشار در این مورد می‌تواند مطرح شود که چهار «تی» مورد نیاز برای توسعه بلندمدت اقتصاد ایران را در نوشته خود مطرح کرده است. این متن در سایت حرفه‌ای لینکدین (Linkedin) گذاشته شده است. برای بررسی در این مورد مراجعه شود به:

Afshar, Shahriyar. (2015). The Four T's of the Iranian Innovation Economy: Trade, Talent, Tourism and Technology. 13th November. <https://www.linkedin.com/pulse/four-ts-iranian-innovation-economy-trade-talent-tourism-afshar>



۳. فعالیت‌هایی که امکان گذر به سوی اقتصاد دانش‌بنیان را فراهم سازد (خدمات مالی، خدمات حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، داروسازی و خدمات سلامت)،

۴. فعالیت‌هایی که زیرساخت‌های کشور را نوسازی کند و گسترش بدهد (حمل‌ونقل، خدمات عمومی، املاک و مستغلات و ساختمان).

گزارش مک‌کینزی در دسته‌بندی چهارگانه تصویری را ایجاد می‌کند که دانش‌بنیانی در محدوده خاص مطرح شده است حال آنکه گزارش مک‌کینزی بسیار تأکید کرده است که توان مهندسی ایرانیان باید به کار گرفته شود. به نظر می‌رسد که دسته‌بندی بدون عنایت به محتوای اولیه بحث انجام شده است زیرا بخش دانش‌بنیان اقتصاد باید به نوعی مهندسی و خلاقیت را در خود جای بدهد. مشخص نیست دانش‌بنیانی به سلامت چه ارتباطی باید داشته باشد. در هر صورت در این قسمت نگاه راهبردی وجود ندارد حال آنکه به قاعده عرف کشور باید با نگاهی متکی به راهبرد توسعه بلندمدت و آینده‌سازی برای یک دوره بیست‌ساله برنامه‌ریزی کند.^۱

موارد دیده شده در رشته فعالیت‌های اقتصادی، به طور کلی همان مواردی است که بسیاری از محققان کشور به عنوان محورهای بالقوه توسعه می‌شناسند. با فرض آنکه در سال‌های آینده هیچ تحول دگرگون‌کننده‌ای در مورد هیچ‌یک از محورهای ذکر شده بروز نکند، این محورها می‌تواند به صورت بالقوه در یک الگوی توسعه‌ای کشور مطرح شود.

در بخش تحلیلی گزارش مک‌کینزی تمام بخش‌های مطرح شده در گزارش تفصیلی سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹) در قالب چهار گروه آورده شده است. در این بخش به نظر می‌رسد که گزارش مک‌کینزی تلاش کرده است خود را در چارچوب برنامه ششم دولت جای بدهد. قابل توجه است که در بحث رشد اقتصادی اعلام کرده است که خواسته دولت بالاتر از ارقام مک‌کینزی است و به نوعی به صورت ضمنی گفته است که اجرای برنامه ششم رسیدن به وضعیت مندرج در گزارش مک‌کینزی را تسهیل می‌کند.

در بخش تحلیلی، گزارش برخی از موارد تغییر عملکرد یا رویکرد را به صورت توصیه مطرح کرده است. به عنوان مثال در بخش تولید گاز با عنایت به نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده خارجی، گفته شده است که ایران نیاز خواهد داشت که محیط سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران بالقوه جذاب کند. در این موارد گزارش مک‌کینزی فقط با اشاره به نیازهای پایه‌ای، فرض می‌کند که ساخت کشور این تحولات را می‌پذیرد و بنابراین چارچوب مطرح شده در گزارش تحقق می‌یابد. در همین چارچوب است که نیاز به قراردادهای جدید نفتی را توجیه می‌کند و جهت‌گیری الگوی مشارکت در تولید را به عنوان

۱. درست است که دسته‌بندی در واقع فقط یک نوع نگرش است ولی در دسته‌بندی نباید ضوابط کلی زیر پا گذاشته شود. اینکه فناوری اطلاعات و دانش‌بنیانی از شکل ابزار خارج شود و به جای مسیر به مقصد مبدل گردد، موضوعی است که باید مدنظر قرار بگیرد و دیگر بحث سلیقه‌ای نیست. امر واقع این است که چندین ویژگی مربوط به مسیر است و نباید در راهبردها به عنوان مقصد تلقی شده باشد. در این گروه بهره‌وری و دانش‌بنیانی هر دو ویژگی‌های مسیری‌اند. تمام چهار گروه باید برای ارتقای بهره‌وری از جنبه‌های مختلف و برای ایجاد پایه‌های دانش‌بنیان در تمام زمینه‌ها تلاش کنند.

الگویی که سایر کشورهای تولیدکننده نفت پذیرفته‌اند، برای ایران هم یک روند احتمالی می‌شود. بنابراین شرکت‌های سرمایه‌گذار با شرکت ملی نفت ایران سرمایه‌گذاری در قالب یک شرکت مشترک را انجام می‌دهند و در آن چارچوب استخراج نفت صورت می‌گیرد. در همین راستا عقد قراردادهای ۲۰ تا ۲۵ سال هم مطرح می‌شود. در تمام موارد توصیه‌های رفتاری به‌عنوان رویه‌هایی که عاقبت باید ترکیبی از آنها برگزیده شود، مطرح می‌شود.

در مورد پتروشیمی، به‌عنوان نمونه، نقطه مزیت ایران هزینه ارزان مواد اولیه مطرح شده است. نرخ رشد سالیانه بخش پتروشیمی در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ میلادی ۲۶ درصد بوده است. اگر مزیت ارزانی مواد اولیه، در صنعت پتروشیمی پابرجا باقی بماند، تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی در مقایسه با هم‌تایان جهانی خود مزیت خواهند داشت و صادرات محصولات پتروشیمی برقرار باقی خواهد ماند. حاشیه برآورد در مورد پتروشیمی هم بسیار زیاد است. ارزش افزوده ناخالص حاصل از فعالیت‌های پتروشیمی که در سال ۲۰۱۴ در حد ۷ میلیارد دلار برآورد شده است، تا سال ۲۰۳۵ به رقمی بین ۳۰ تا ۴۵ میلیارد دلار می‌رسد! و تا سقف ۳۰۰ هزار شغل ایجاد می‌کند. الگوی تحلیل در هر صورت استفاده از اطلاعات موجود در مؤسسه مک‌کینزی برای برآوردهاست و در گزارش مک‌کینزی مطالبی در این راستا دیده نمی‌شود. حتی مشخص نشده است که دامنه گسترده نوسان بر چه مبنایی مطرح شده است.

رویه تحلیل در مورد بخش پتروشیمی، که در تمام موارد تکرار شده است، چند نکته قابل تعمق دارد که ماهیت روش تحلیل مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی را مشخص می‌کند:

۱. سیاست‌های دولت و جهت‌گیری آنها چندان مدنظر قرار نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال دولت در نظر دارد با گران کردن حامل‌های انرژی و خوراک پتروشیمی، سهمی از مزیت کنونی تولیدکنندگان محصولات پتروشیمی را به خود اختصاص دهد.

۲. تحولات فنی چندان مدنظر قرار نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال آیا امکان ندارد با روش‌های جدید فرآوری در محصولات پتروشیمی، ارزش تولید را با داده مشابه ارتقا داد؟

۳. ارتباط بین روندهای گذشته و روندهای آینده نامشخص باقی مانده است. به‌عنوان مثال مشخص نیست رشد ۲۶ درصدی ذکر شده برای محصولات پتروشیمی طی یک دوره پنج‌ساله، چطور در دوره بیست‌ساله پیش رو متبلور شده است.

۴. مبانی روندهای آینده، چگونگی برآورد ارزش افزوده ناخالص ایجاد شده و ارتباط این ارزش افزوده با نیروی کار شاغل، با قبول فرض افزایش بهره‌وری نیروی کار نامشخص باقی مانده است. این محاسبات به گفته گزارش مک‌کینزی و زیرنویس‌های مختلف، براساس برآوردهای مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی است و باید باور داشت که هرچه گفته شده است، مبنای درستی دارد



ولی نمی‌توان بجز باور داشتن، تأیید دیگری را ارائه کرد.

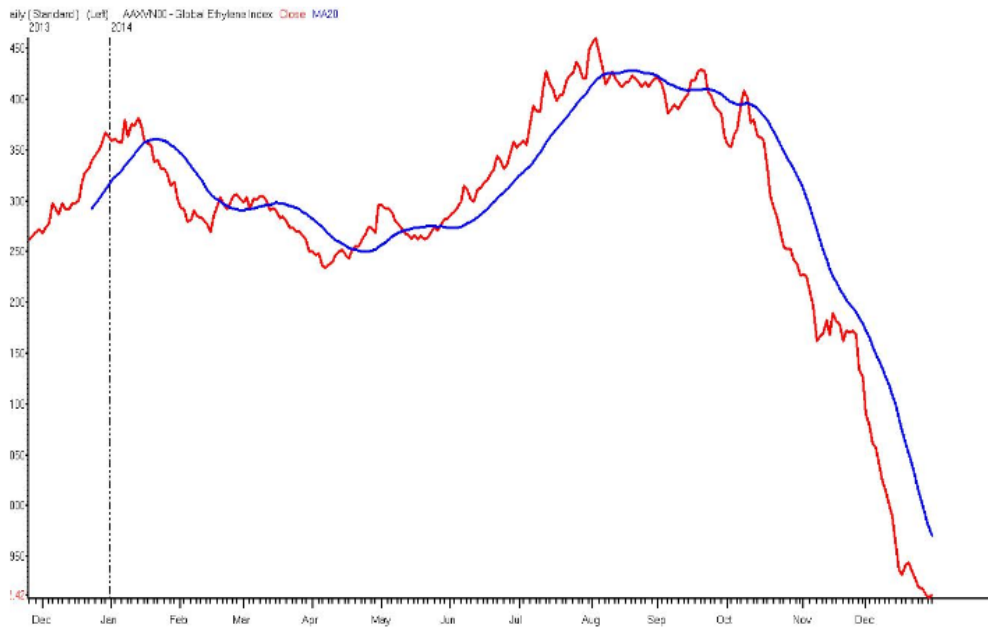
۵. مشخص نیست تقاضای جهانی می‌تواند تولید ایران را جذب کند یا آنکه مازاد عرضه

ایجاد می‌شود. در تحلیل گزارش مک‌کینزی، به‌ندرت موردی وجود دارد که گفته شده باشد، برای جذب این بخش از تولید، باید تمهیداتی اندیشیده شود. به‌عبارت دیگر، فرض شده است که در هر صورت مشکل اصلی عرضه است وگرنه تقاضا وجود دارد و هرچه عرضه شود، در چرخه تولید تا مصرف قرار می‌گیرد و در هیچ نقطه رسوب نمی‌کند: یعنی مازاد عرضه ایجاد نمی‌شود.

۶. در موارد مقایسه‌ای، هیچ فرضی وجود ندارد که نشان دهد مزیت‌های ذکر شده تا

کجا دوام خواهد داشت. به‌عنوان مثال در مورد پتروشیمی، یکی از چالش‌های جدی، نوسان قیمت‌ها در بازار است. اگرچه دولت ایران ممکن است به سیاست ارائه خوراک پتروشیمی به قیمت‌های رقابتی ادامه بدهد، در نهایت اگر فناوری تغییر کند و قیمت‌های بازار روند نزولی به‌خود بگیرد، ایران هم ناگزیر باید سرمایه‌گذاری کند تا هزینه تولید خود را کاهش بدهد. در این چارچوب، روابط آینده به سادگی ذکر شده در گزارش مک‌کینزی نیست و افت قیمت‌ها ممکن است وضعیت رقابتی ایران را محدود کند. این وضعیت در صنعت پتروشیمی ایران در گذشته هم تجربه شده است ولی گزارش مک‌کینزی چنین تحولی را در بحث‌ها و تحلیل‌های خود ندارد و فقط به این بسنده کرده است که به احتمال ایران هنوز قدرت رقابت خود را حفظ خواهد کرد. در گزارش گفته نشده است که در کدام نقطه ایران این مزیت را از دست می‌دهد و چگونه باید روند تولید خود را تضمین کند. برای روشن شدن وضعیت در زیر نمودار شاخص روند قیمت اتیلن که توسط مؤسسه پلاتس تهیه می‌شود، در زیر آورده شده است.

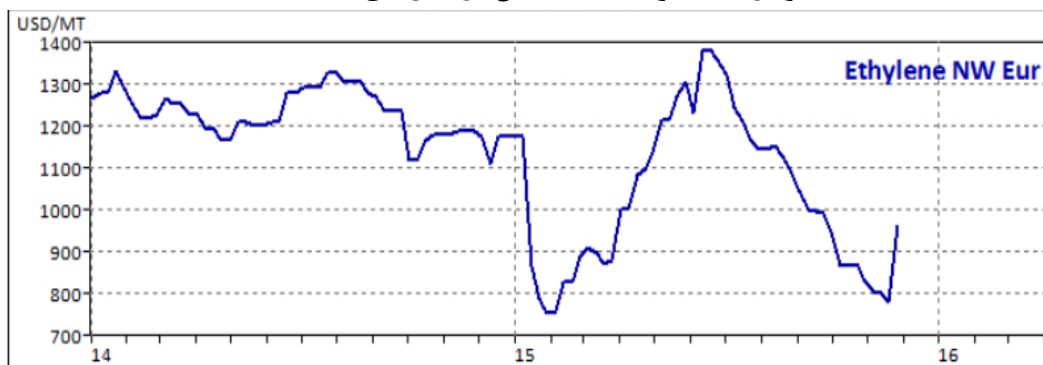
نمودار ۶. روند شاخص قیمت اتیلن



مأخذ: مؤسسه پلاتس.

در همین راستا، تحولات قیمت اتیلن تا سال ۲۰۱۶ در نمودار زیر آورده شده است. چه شاخص مبنا قرار بگیرد و چه روند قیمت مدنظر باشد، در نهایت نوسان جدی قیمت در بازار اتیلن مشهود است. اگر این نوسان در بلندمدت هم برقرار باشد، که این انتظار منطقی است، تحلیل واکنش عرضه‌کنندگان به نوسان قیمت، یکی از الزامات بازار خواهد بود. چنین تحلیلی در گزارش مک‌کینزی مشاهده نمی‌شود.

نمودار ۷. تغییرات قیمت اتیلن در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴

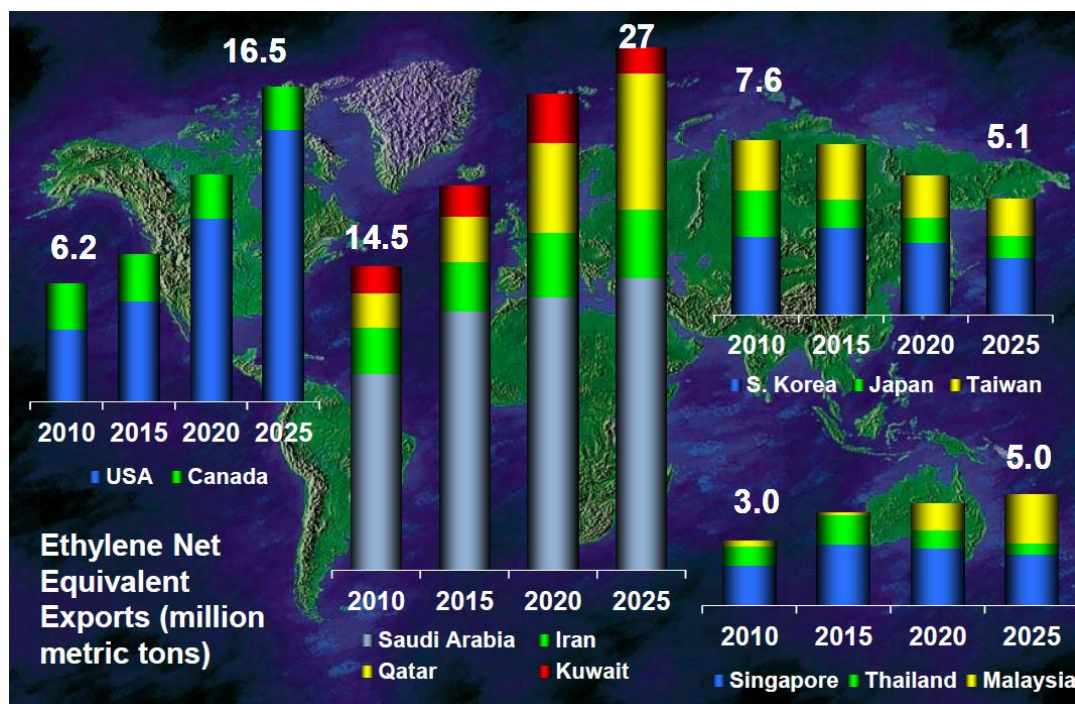


© Mintec Ltd 2015. e-mail: sales@mintecglobal.com: +44 (0)1628 851313



۷. وضعیت رقبا در بازار تحلیل نمی‌شود. به‌عنوان مثال گزارشی در مورد وضعیت بازار اتیلن وجود دارد^۱ که تصویر آن تا سال ۲۰۲۵ میلادی در نمودار ارائه شده است.

نمودار ۸. وضعیت بازار اتیلن تا سال ۲۰۲۵



Source: Eramo, Mark, 2015.

آیا این وضعیت همان روندی است که در گزارش مک‌کینزی وجود دارد؟ در گزارش اعلام شده است که روش شکستن اتان همچنان به‌عنوان روش برتر تولید اتیلن باقی می‌ماند و تولیدکنندگان عمده از این روش استفاده خواهند کرد. در نمودار صادرات کشورها در مناطق مختلف آورده شده است. عربستان سعودی رقیب ایران در منطقه خاورمیانه است. تفاوت هزینه خوراک در عربستان سعودی در مقایسه با ایران چیست؟ رقیب ایران از نظر فناوری در چه جایگاهی در مقایسه با ایران قرار دارد؟ ظرفیت دو کشور چطور با هم مقایسه می‌شود؟ کدام یک از دو کشور به سرمایه‌گذاری بیشتر برای اصلاح ساخت بخش نیاز دارد؟ پرسش‌های کلیدی از این قبیل، همه در گزارش مک‌کینزی نادیده گرفته شده است و حتی در گزارش مطرح نشده است.

نمونه بررسی شده فقط برای مطرح کردن نحوه تحلیل در گزارش مک‌کینزی بوده است و هدف این نیست که بررسی تفصیلی در مورد بخش‌های مختلف ارائه شود. فقط با عنایت به مطالب مطرح

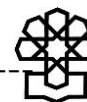
1. Eramo, Mark. (2015). Global Ethylene Market Outlook IHS Chemical. http://media.corporateir.net/me-dia_files/IROL/11/110877/05_Global_Ethylene_Market_Outlook_Eramo.pdf

شده می‌توان دید که گزارش مک‌کینزی بسیار متکی به مطالب ناگفته‌ای است که یا از قلم افتاده است یا محتوای آنها از الگوهای درونی مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی برخاسته است.

وضعیت مشابهی در مورد کشاورزی و بخش آب وجود دارد. در گزارش اشاره شده است که آب یک مشکل است و بخش کشاورزی بیش از حد متعارف مصرف‌کننده آب است ولی موضوع در همین حد که باید بهره‌وری آب افزایش داده شود، متوقف شده است. بحث آب و کشاورزی ورای این محدوده است و افزایش تولید در کشاورزی با وضعیت کنونی در هر صورت ناممکن است و اصلاح بهره‌وری آب به برنامه ویژه‌ای نیاز دارد که در گزارش مک‌کینزی وجود ندارد. برای افزایش بهره‌وری آب دو رویکرد تلفیق قطعات زمین و استفاده از فناوری توصیه شده است. بحث در حدی مختصر است که خواننده هرگز عمق مشکل موجود در بخش کشاورزی در ارتباط با مصرف آب را درک نمی‌کند. رسیدن به دستاورد گزارش مک‌کینزی هم جزء مواردی است که فقط با باور کردن گزارش مک‌کینزی امکانپذیر می‌شود.

نگاهی واقع‌بینانه به تحولات امروز جهان نشان می‌دهد که بسیاری از تحولات دگرگون‌کننده در جهان در شرف وقوع است و هر یک از این تحولات می‌تواند تصویر جدیدی از جهان ایجاد کند. بخش بزرگی از این تحولات به انرژی مرتبط است و نفت و گاز ایران از این منظر باید با دقت بیشتر مدنظر قرار بگیرد. تحولات آینده جهان در گزارش مک‌کینزی مدنظر قرار نگرفته است و بنابراین اگر این تحولات رخ بدهد، روندهای گفته شده توسط مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی فاقد اعتبار خواهد بود. پرسشی که در اینجا بدون پاسخ باقی مانده است، این است که اگر تحولات جدی در روندهای کنونی جهان رخ بدهد، مسیر آینده ایران چه خواهد شد؟

در چارچوب‌های گفته شده، رویکرد گزارش مک‌کینزی برای ارزیابی محورهای برگزیده، فقط با فرض وجود مبانی ضروری برای تحلیل‌ها و موجود بودن مستندات داخلی مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی برای اثبات منطقی بودن روندهای اعلام شده، قابل دفاع می‌شود. این فرض البته در گزارش به اثبات نرسیده است. با قبول فرض گفته شده، می‌توان چارچوب‌های کلی گزارش مک‌کینزی را پذیرفت. با وجود این لازم است در یک مرحله اثر مفروضات بر دستاورد ارزیابی می‌شد که این کار انجام نشده است. در نهایت هم ضرورت دارد که احتمال تحولات جدی بررسی شود و هشدار باشد که اگر تغییر وضعیت مشاهده شود، جهت‌گیری توسعه بلندمدت ایران چگونه باید متحول شود.

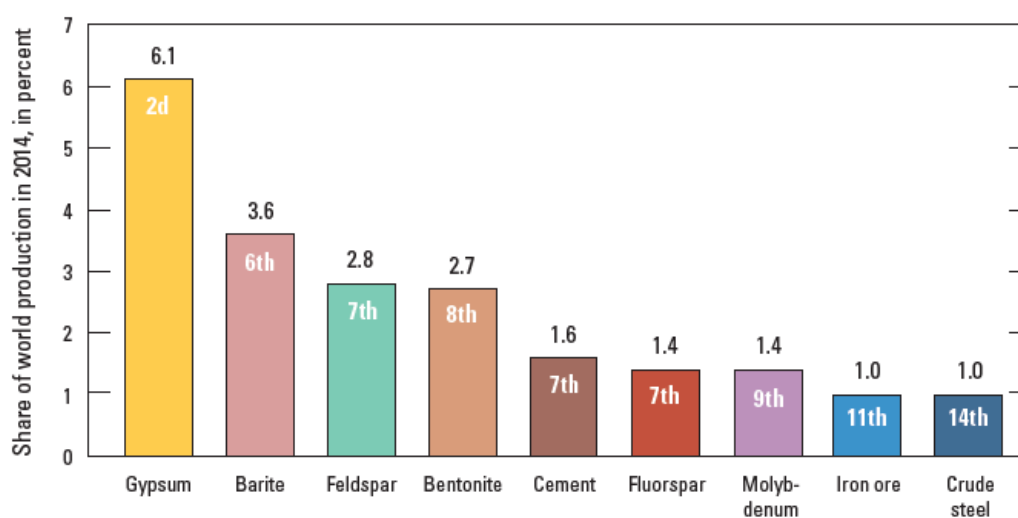


بررسی روش استنتاج در گزارش مک کینزی

روش استنتاج در گزارش مک کینزی مبتنی بر قیاس وضعیت با داده‌های جهانی در اختیار مؤسسه بین‌المللی مک کینزی است. این داده‌ها در واقع سرمایه ویژه مؤسسه است که حاصل ورود مستقیم به کشورهای مختلف جهان بوده است. در گزارش مک کینزی توضیح دقیق در مورد نحوه استنتاج متکی به قیاس داده نشده است، ولی به‌طور قطع و یقین مؤسسه بین‌المللی مک کینزی هیچ الگوی اقتصادی مدونی برای تعیین روندها در مورد ایران ندارد و با استفاده از فراداده‌ها و روندهای به‌دست آمده فقط آینده را تصویر کرده است. این نوع نگاه به استنتاج می‌تواند به دلیل ساده‌انگاری بیش از حد خود مورد انتقاد باشد.

به نظر می‌رسد روش استنتاج می‌توانست عمق بیشتری داشته باشد. به‌عنوان مثال در مورد بخش کانی‌ها در ایران، بحث گزارش مک کینزی با نمایش جایگاه ایران در سه ماده کانی آهن، مس و سرب محدود شده است. تصویری که می‌توانست مطلوب باشد این بود که ۱. مهمترین کانی‌های ایران شناسایی شود، ۲. جایگاه ایران از نظر آن کانی‌ها بررسی و شناسایی شود، ۳. تولید ایران از آن کانی‌ها در مقایسه با جهان دیده شود و ۴. ارزیابی محدودی از وضعیت فناوری تولید و شدت خام‌فروشی انجام شود تا نتیجه‌گیری کار الگوی توسعه‌ای باشد که گزارش مک کینزی ارائه کرده است. در این راستا دیده می‌شود که جایگاه ایران از نظر سهم تولید در جهان به شرح زیر بوده است:^۱

نمودار ۹. سهم تولید ایران در جهان در انواع کانی‌ها



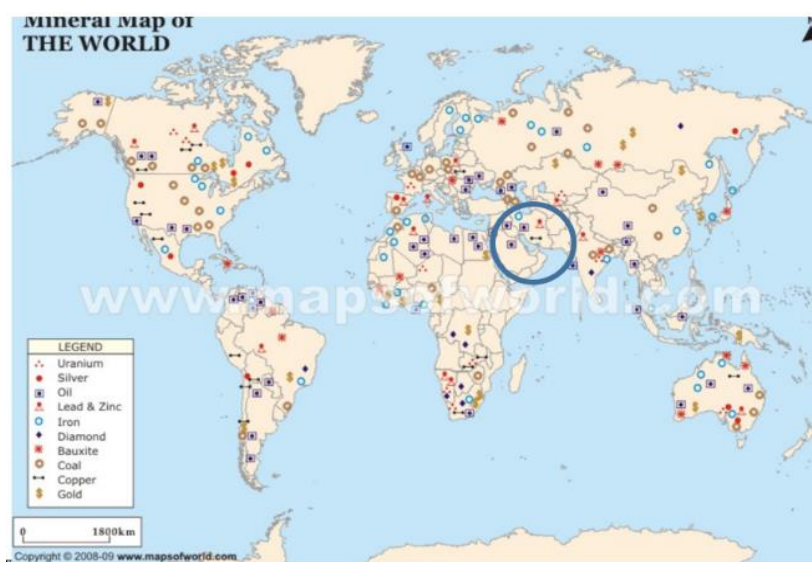
Source: Hastorun; Renaud; Lederer, and Graham, 2016.

1. Hastorun, Sinan; Renaud, Karine M.; Lederer, and Graham W. (2016). Recent trends in the nonfuel minerals industry of Iran. USGS. Circular 1421. 11th July. DOI: 10.3133/cir1421. <http://pubs.usgs.gov/circ/1421/circ-1421.pdf>

در مورد ذخایر انواع کانی در ایران هم لازم است در مورد ذخایر هم نموداری ارائه شود که جایگاه کشور را از نظر دستکم همین مواردی که در تولید بیان شده است، به صورت شفاف نشان بدهد تا مشخص شود درصد بهره‌برداری در کشور در مقایسه با سهم از بازارهای جهانی چه بوده است. به روایتی منطق استنتاج می‌توان با بیانی بسیار ساده این باشد که ایران دارای ذخایر متعددی است که از نظر جایگاه ثروتی ایران را در رده‌هایی بالاتر از جایگاه ایران در بخش تولید قرار می‌دهد و طبیعی است که ایران بخواهد این دو جایگاه را همتراز سازد. اگر بررسی اندکی تعمیق شود، بحث به این ترتیب می‌تواند ادامه یابد که چون افزایش ارزش افزوده بسیار اهمیت دارد، ایران باید تلاش کند از خام‌فروشی کانی‌های خود خودداری کند و با بیشینه کردن ارزش افزوده، بازدهی بهره‌برداری از کانی‌های خود را به بالاترین حد برساند. در حالت اخیر الگوی رفتاری ایران طی ۲۰ سال آینده می‌تواند تصویر شود.

قدر مسلم این است که در مثال برگزیده، فقط در چنین چارچوبی، استنتاج می‌تواند مسیر عقلانی خود را طی کند. وودمک‌کینزی بدون تردید آن قدر اطلاعات دارد که بتواند تصویری از جایگاه ایران در کانی‌های کلیدی این کشور بدهد که ورای نمودار ترسیم شده در گزارش مک‌کینزی باشد. در بررسی حاضر فقط برای نمایش وضعیت کشور از نظر ثروت کانی، نقشه زیر مورد استفاده قرار گرفته است.^۱ در نقشه مشخص شده است که ایران دستکم از نظر چهار کانی بسیار داراست و دستکم در یک مورد (آهن) در منطقه بدون رقیب است. حتی با این نقشه می‌توان الگوی بهره‌برداری از کانی‌ها در کشور را مورد تأیید قرار داد.

نمودار ۱۰. وضعیت کشور از نظر ثروت کانی‌ها



Source: www.mapsofworld.com.

1. <http://www.mapsofworld.com/world-mineral-map.htm>



دفاع از این روش تصویرسازی متکی به قیاس، به‌عنوان آخرین گزینه، فقط زمانی ممکن است که نشان داده شود، مفروضات و داده‌ها قابل دفاع است. دستکم در مورد مفروضات و داده‌های مربوط به ایران چنین دفاعی ناممکن است. نظر به اینکه اطلاعی در مورد بانک اطلاعاتی مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی در دست نیست، نمی‌توان گفت که این مؤسسه در مورد سایر کشورها با دقت کافی داده گردآوری کرده است. اگر سطح دقت در مورد سایر کشورها در سطحی باشد که در مورد ایران دیده شده است، شاید نتوان این روش قیاس را قابل دفاع دانست. در وضعیت حاضر ارزیابی در این مورد هم امکانپذیر نیست.

در مورد مواد معدنی هم همان‌طور که در گزارش مک‌کینزی مشاهده می‌شود، دامنه نوسان قیمت بسیار زیاد است. انتظار این بود که در یک برنامه بلندمدت این نوسان به‌عنوان یک چالش مطرح می‌شد و نشان داده می‌شد که نقطه بحران در این بخش وجود دارد یا خیر و اگر چنین نقطه‌ای به هر شکل مطرح باشد، تأثیر آن بر ایران چه خواهد بود.

به‌طور خلاصه، روش استنتاج نتایج در گزارش مک‌کینزی فقط با پذیرش اعتبار مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی می‌تواند مورد قبول قرار بگیرد زیرا کاستی‌های مشهود در روش استنتاج را نمی‌توان پذیرفت مگر آنکه فرض شود که مقام استنتاج‌کننده به موضوع وقوف کامل داشته است و چون خود می‌دانسته است چه می‌گوید، سخن را کوتاه کرده است. البته این رویکرد در ارتباط بین مشاور و مشتری، رویکردی نامتعارف است.

در موارد کلیدی که بروز تحولات جدی می‌تواند مطرح شود، هنوز لازم است اظهارنظر مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی با دقت بیشتر مدون شود تا نشان دهد که واکنش ایران نسبت به این تحولات چگونه باید باشد و چطور این تحولات باید مهار شوند که مسیر حرکت اقتصاد کشور مختل شود. در گزارش مک‌کینزی این نگرش وجود ندارد.

کلام نهایی

گزارش مک‌کینزی تصویری را مجسم می‌کند که برای رسیدن به آن الزاماتی باید برآورده شود که ابعاد آن در گزارش نامشخص است و حتی بودجه رسیدن به آن معلوم نیست. ارقام سرمایه‌گذاری برای رفتارهای ویژه‌ای است که بازده آنها در گرو ایجاد الزامات است. پذیرش محتوای گزارش فقط با قبول این نکته می‌تواند ممکن شود که گفته شود مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی یک مشاور جهانی است و باید به قاعده عرف بداند که چه می‌گوید. در غیاب این باور، پذیرش موارد متعددی از گفته‌های گزارش مک‌کینزی مورد تردید است.

در هر صورت یک نکته بسیار مهم هم وجود دارد که دستکم خود مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی باید مدنظر قرار می‌داد، هرچند که این نکته مورد توجه واقع نشده است. وقتی بحث وضعیت بلندمدت

مطرح می‌شود، ترسیم تصویر کشور به‌طور مطلق در واقع کاری عجیب است زیرا همان‌قدر که ایران ممکن است برنامه بلندمدت داشته باشد، به احتمالی سایر کشورها هم برنامه بلندمدت خواهند داشت.

ممکن است پرسیده شود برنامه سایر کشورها و جهان را چگونه باید در اختیار داشت؟

کمترین انتظار از مؤسسه‌ای مانند مؤسسه بین‌المللی که اطلاعات بیش از ۱۵۰ کشور جهان را در اختیار دارد این است که به‌جای آنکه روندهای مطلق را در اختیار کشور بگذارد، وضعیت‌های نسبی را هم مدون کند. دستکم این کار با در اختیار داشتن وضعیت کشورهایایی که خود این مؤسسه به آنها خدمت‌رسانی کرده است، باید امکانپذیر باشد. برآوردهای بلندمدت اقتصادهای جهان به‌طور متعارف مواردی را به‌صورت نسبی نشان می‌دهند تا تصویر ملموس باشد. گزارش دنیا در سال ۲۰۵۰ یک نمونه از این گزارش‌هاست که ارائه به نسبت متینی دارد.^۱

اگر ایران قرار است در جایگاهی قرار بگیرد که اسپانیا در سال ۲۰۱۴ داشته است، در سال ۲۰۳۵ شکاف بین ایران و اسپانیا که مبنای مقایسه ایران قرار گرفته است، چگونه خواهد بود. از منظر جایگاه‌شناسی، گزارش مک‌کینزی به‌طور کامل در ابهام قرار گرفته است. دنیای اطراف ایران چگونه تحولات ایران را می‌پذیرد و ایران چگونه در آن دنیا پله‌های ترقی را طی می‌کند؟ نباید فراموش کرد که ایران باید رشد خود را تابع سند چشم‌انداز کند و آن سند در واقع یک سند نسبی است. بنابراین گزارش مک‌کینزی هم باید این اصل نمایش وضعیت نسبی را به نوعی رعایت می‌کرد.

قابل توجه است که مؤسسه مک‌کینزی فقط یکی از سازمان‌هایی است که قادر است پیش‌بینی بلندمدت داشته باشد. در گزارش مک‌کینزی هرگز سازگاری بین پیش‌بینی وضعیت در گزارش مک‌کینزی و سایر پیش‌بینی‌های وضعیت بلندمدت در جهان مطرح نشده است. به‌راستی جهان سال ۲۰۳۵ چگونه دنیایی است؟ به‌عنوان مثال، مؤسسه اکونومیست گزارشی در مورد وضعیت اقتصادی جهان در آینده دارد که در آن با عنایت به جایگاه کشورهای مختلف جهان، نشان داده است که تا سال ۲۰۵۰، کدام کشورها ارتقای جایگاه می‌یابند و کدام کشورها رو به پایین می‌روند.^۲

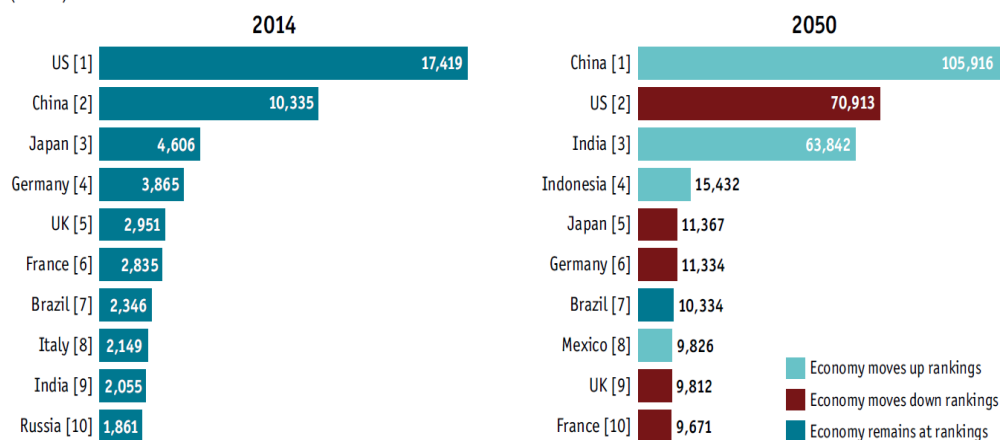
1. <https://www.pwc.com/gx/en/issues/the-economy/assets/world-in-2050-february-2015.pdf>

2. http://pages.eiu.com/rs/783-XMC-194/images/Long-termMacroeconomicForecasts_KeyTrends.pdf



نمودار ۱۱. جایگاه کشورها در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۵۰ از نظر تولید ناخالص ملی

Nominal GDP
(US\$ bn)



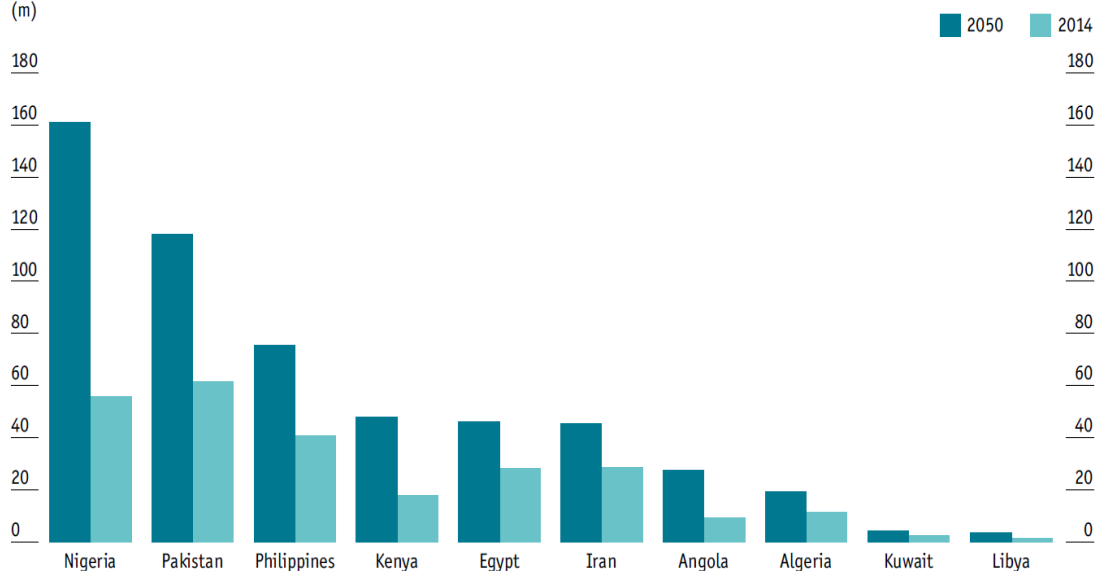
Source: The Economist Intelligence Unit.

مأخذ: مؤسسه اکونومیست.

در این گزارش مک‌کینزی، ایران در شمار کشورهای است که بالاترین نرخ رشد نیروی کار را خواهند داشت. آیا این روند مورد قبول مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی قرار دارد؟ اگر چنین است، آیا ۹ میلیون فرصت شغلی ایجاد شده تا سال ۲۰۳۵ برای کاهش بیکاری در کشور کفایت می‌کند؟

نمودار ۱۲. نرخ رشد نیروی کار در کشورهای جهان از ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰

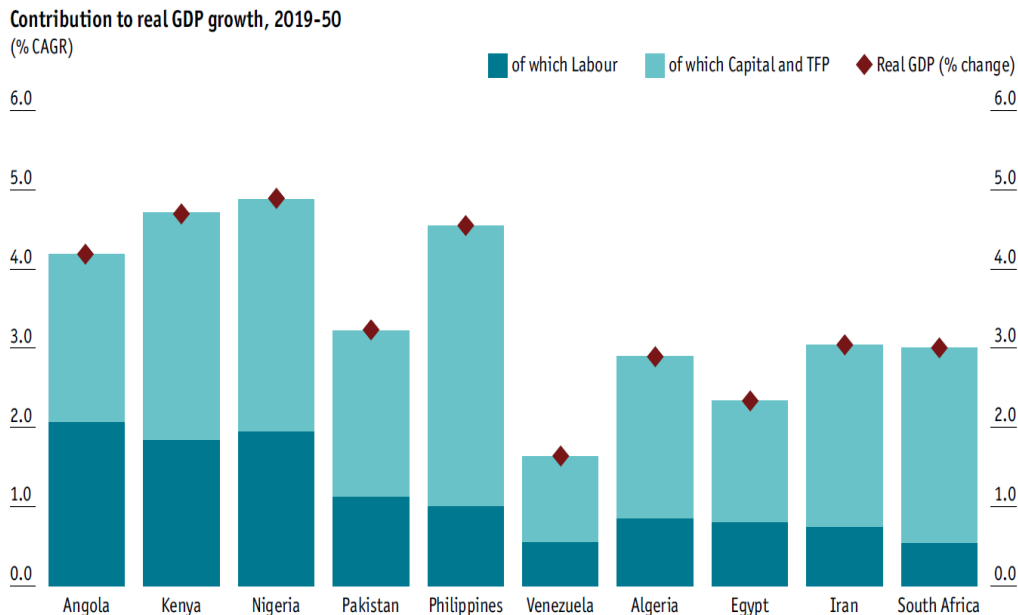
Largest increase in labour force
(m)



مأخذ: همان.

در این گزارش گفته شده است که عامل رشد اقتصادی در ایران که کمتر از متوسط سالیانه ۳ درصد است، افزایش بهره‌وری کل عوامل و ارتقای بهره‌وری سرمایه است.

نمودار ۱۳. پیش‌بینی نرخ رشد بهره‌وری عوامل تولید و بهره‌وری کل در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۵۰



مأخذ: همان.

به‌نظر نمی‌رسد که گزارش یاد شده سازگاری مشهودی با گزارش مک‌کینزی داشته باشد ولی قابل ملاحظه است که با گزارش مک‌کینزی در مورد رشد بلندمدت اقتصاد جهان سازگاری دارد. این گزارش به‌عنوان یکی از محورهایی که لازم است مؤسسه مک‌کینزی در مورد آن توضیح بدهد، در متن مورد اشاره قرار گرفته است.

گزارش پی‌دبلیوسی در مورد وضعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ جایگاه ایران را از نظر ارزش محصول ناخالص داخلی به برابری قدرت خرید در چارچوبی به‌شرح زیر تصویر می‌کند.^۱ نسخه تجدیدنظرشده این گزارش مربوط به فوریه ۲۰۱۵ میلادی است و این نسخه در گزارش حاضر مدنظر قرار گرفته است. در این تصویر رتبه ایران از نظر جایگاه نسبی از مقام ۱۸ در سال ۲۰۱۴ میلادی به رتبه ۲۵ در سال ۲۰۵۰ میلادی نزول می‌کند. در گزارش مک‌کینزی جایگاه سال ۲۰۱۴ به‌عنوان یکی از نقاط قوت ایران ذکر شده است ولی مشخص نیست که این گزارش رسیده ایران به جایگاه ۲۵ را می‌پذیرد یا خیر و در هر صورت در سال ۲۰۲۵ ایران در چه رتبه‌ای قرار می‌گیرد؟ در گزارش پی‌دبلیوسی در سال ۲۰۳۰ میلادی جایگاه ایران از نظر محصول ناخالص داخلی به قیمت‌های برابری قدرت خرید فقط یک

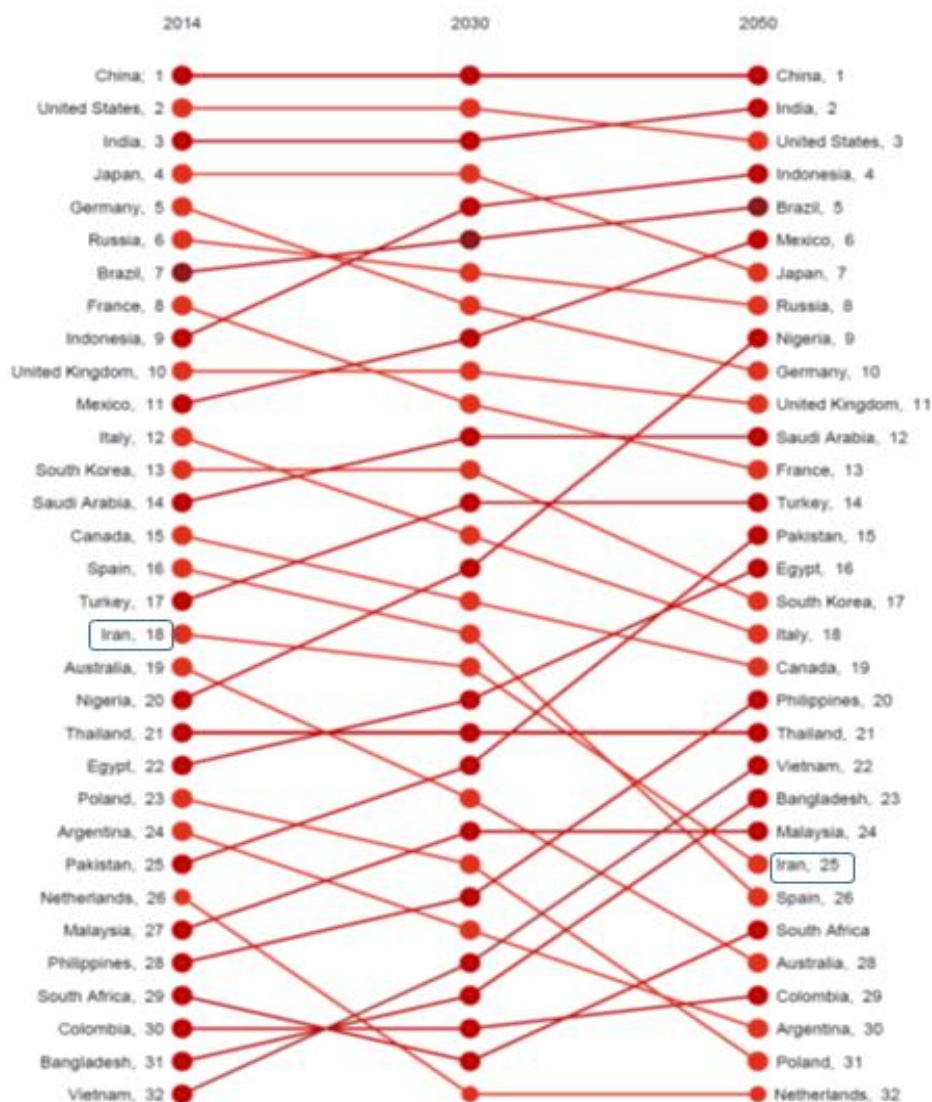
1. <https://www.pwc.com/gx/en/issues/the-economy/assets/world-in-2050-february-2015.pdf>



رتبه سقوط کرده و به رتبه ۱۹ می‌رسد. تداوم این سقوط ایران را به جایگاهی می‌رساند که در سال ۲۰۵۰ تصویر شده است. به نظر می‌رسد که افت جایگاه ایران در فاصله ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ تشدید خواهد شد.

در گزارش پی‌دبلیوسی، نرخ رشد جمعیت در ایران سالیانه ۰/۷ درصد است، نرخ رشد محصول ناخالص داخلی کشور به پول ملی به‌طور متوسط ۲/۵ درصد در سال است و به قیمت‌های برابری قدرت خرید به رقم ۱/۸ درصد به‌طور متوسط می‌رسد. این گزارش با گزارش مک‌کینزی در مورد رشد بلندمدت اقتصاد جهان سازگار است. در عین حال می‌توان گفت که گزارش با گزارش اکونومیست هم از نظر روند، سازگاری دارد، ولی با گزارش مک‌کینزی که رشد ۶ درصدی را نشان می‌دهد، به نظر ناسازگار است. در هر صورت رشد ۶ درصدی ایران با گزارش خود مک‌کینزی در مورد رشد بلندمدت جهان ناسازگار دیده می‌شود مگر آنکه گزارش مک‌کینزی بتواند این ابهام را با ارائه یک تصویر نسبی، برطرف کند. نمی‌شود تصور کرد که ایران بعد از آن همه پیشرفت که در گزارش مک‌کینزی تصویر شده است، به ناگهان زمین بخورد و آن قدر افت رشد داشته باشد که گزارش‌های پی‌دبلیوسی و اکونومیست را برآورده سازد.

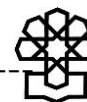
نمودار ۱۴. ارزش تولید ناخالص داخلی کشورها براساس برابری قدرت خرید



Source: pwc.com

در گزارش ای‌تی‌کرنی (AT Kearney) که در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی نوشته شده است و تصویر جهان تا سال ۲۰۲۰ را ترسیم می‌نماید،^۱ هشت عامل برانگیزنده رشد تعریف شده است. این عوامل عبارتند از ۱. اندازه اقتصاد، ۲. عملکرد اقتصادی، ۳. مقاومت اقتصادی، ۴. ناترازی‌های اقتصادی، ۵. نیروی کار، ۶. زیرساخت‌ها، ۷. حکمرانی و مقررات، ۸. وضعیت اصلاحات. در این گزارش نشان داده شده است که ایران در مجموع و در مقایسه با جهان، رشدی متوسط خواهد داشت و مقاومت اقتصادی یکی از عوامل بسیار اثرگذار بر این رشد خواهد بود. جالب توجه است که گزارش مک‌کینزی هیچ

1. <https://www.atkearney.com/documents/10192/5498252/Global+Economic+Outlook+2015-2020+--+Beyond+the+New+Mediocre.pdf/5c5c8945-00cc-4a4f-a04f-ade094e90b8>



اشاره‌ای به اهمیت این مقاومت در رشد اقتصادی کشور نداشته است.

نمودار ۱۵. جایگاه ایران در هشت عامل برانگیزاننده رشد اقتصادی کشور در سال ۲۰۱۵

Scores: ■ Very low ■ Low ■ Moderate ■ High ■ Very high

	Size of economy	Economic performance	Economic resilience	Economic imbalances	Labor force	Infra-structure	Regulations and governance	Reform status	Growth market
China	Very high	High	High	High	High	High	Moderate	Moderate	High
Malaysia	Moderate	High	Moderate	High	High	High	High	High	High
Chile	Low	Moderate	Moderate	Moderate	Very high	High	High	High	High
Poland	Moderate	Low	Moderate	Moderate	High	High	High	High	High
Peru	Low	Moderate	Very high	High	High	Low	Moderate	High	High
Mexico	Moderate	Low	Moderate	High	High	High	Moderate	Very high	High
Philippines	Low	High	High	High	Low	Low	Moderate	High	High
Indonesia	High	High	Moderate	Moderate	Moderate	Moderate	Moderate	Moderate	High
Turkey	Moderate	Moderate	Moderate	Moderate	High	Very high	High	High	Moderate
Colombia	Low	Moderate	High	High	High	Low	Moderate	High	High
Romania	Low	Moderate	Moderate	Moderate	High	Moderate	High	High	High
Thailand	Low	High	High	High	High	Very high	Moderate	Very low	High
India	High	Very high	Low	Moderate	Very low	Moderate	Low	Moderate	High
Kazakhstan	Low	High	Moderate	Moderate	Moderate	Low	Moderate	Moderate	High
South Africa	Low	Low	Moderate	Low	Moderate	Very high	High	High	High
Nigeria	Moderate	Very high	Moderate	High	Very low	Very low	Very low	Moderate	Moderate
Hungary	Low	Very low	Moderate	High	High	Very high	High	Very low	High
Brazil	High	Very low	High	Moderate	High	Low	Moderate	Low	High
Iran	Low	Very low	Very high	High	High	Low	Low	Low	Moderate
Russia	High	Very low	High	High	High	Moderate	Moderate	Very low	Moderate
Argentina	Low	Low	Moderate	Moderate	High	Low	Low	Very low	Low
Pakistan	Low	Low	Low	Moderate	Very low	Low	Low	High	Low
Algeria	Low	Low	High	High	Low	Low	Low	Very low	Low
Egypt	Low	High	Very low	Moderate	Low	Low	Low	Low	Low
Venezuela	Very low	Very low	Very low	Moderate	High	Very low	Very low	Very low	Very low

Sources: Economist Intelligence Unit, International Monetary Fund, World Bank, World Economic Forum, United Nations; A.T. Kearney analysis

اگر این رشد میانه راه مدنظر قرار بگیرد، پرسش این است که گزارش مک‌کینزی روی کدام یک از این محورها تأکید بیشتر داشته است؟ در هر صورت، آیا گزارش مک‌کینزی رویکرد گزارش اخیر را می‌پذیرد یا آن که مسیر آن را درست تشخیص نمی‌دهد؟

به‌طور خلاصه، ضمن تأیید مواردی از فرصت‌شناسی گزارش مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی و ضمن تأکید بر جایگاه بالای این مؤسسه در فهرست مشاوران بین‌المللی، باید گفت که اگر قرار باشد گزارش مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی به‌صورت جدی به‌عنوان یک سند پشتیبان روند بلندمدت رشد اقتصادی کشور مطرح شود و اگر قرار باشد از این گزارش بتوان برای شناخت اولویت‌های رفتاری در برنامه ششم استفاده شود، لازم است این گزارش دستکم در موارد زیر تغییرات جدی داشته باشد:

– محدود کردن مفروضات کلیدی و ارائه تحلیل وابستگی دستاوردها به آن مفروضات،

- اصلاح اعداد و ارقام با ذکر مبانی کاربردی آنها و اجتناب از ارائه ارقام فاقد مستندات قابل دفاع از نظر اقتصادی و از منظر صحت ارقام.
 - تبیین روندهای کلیدی جهان در سال‌های آینده.
 - ارائه تحلیل‌های متکی به مستندات رفتاری و الزامات.
 - تغییر استنتاج‌ها به استنتاج‌های متکی به مستندات ارائه شده در گزارش.
 - ارائه نگاه نسبی برای شناخت تحولی که در جایگاه ایران بروز خواهد کرد، هم در چارچوب ارائه روند کنونی و هم در قالب اجرای برنامه طراحی شده.
 - ارائه بررسی تطبیقی نمایش دلایل انحراف از گزارش‌های معتبری که وضعیت نسبی ایران را ترسیم می‌کند.
 - مشخص کردن انگیزه‌ها، چالش‌ها و رویه‌های تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها.
- در حال حاضر گزارش ارائه شده فاقد این مجموعه است و بنابراین اگر منطق پذیرش اعتقاد به اعتبار مک‌کینزی باشد، این گزارش قابل پذیرش می‌شود ولی اگر منطق پذیرش، مستندات و عقلانیت خواسته‌ها باشد، لازم است موارد بالا رعایت شود.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۱۶۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی گزارش مؤسسه بین‌المللی مک‌کینزی درباره ایران با عنوان: «ایران: فرصت یک تریلیون دلاری رشد»

نام دفتر: مطالعات اقتصاد بخش عمومی

تهیه و تدوین: فیروزه خلعت‌بری

ناظران علمی: محمد قاسمی، رضا زمانی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی: _____

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۹/۱۵

